




در پی همان تحریکات به کارگر من، صادق برزگری، حمله کردند. ده دوازده نفر. رئیس پاسگاه را اغفال کردند. بیل مکانیکی مرا بدون مجوز قضایی توقیف کرد. حامی داشتند. به سازمان قضایی نیروهای مسلح علیه رئیس پاسگاه شکایت کردم. این گزارش بازرسی نیروی انتظامی است. همه چیز را نوشته. نوشته که صحنه‌سازی بوده. شاپور قدسی، همان که عکسش را چاپ کردم، گفته که من بیسوادم، همینجور علیه شهبازی امضا کردم. تراب صفری، که تنها پدر شهید در میان امضاکنندگان است، گفته که اسفندیاری به جای من امضا کرد. طومارهایشان همه این گونه است.

طبقه بندی : _____ شماره : _____ تاریخ : _____ پیوست : _____	 جمهوری اسلامی ایران		
--	--	---	--

خصوص نکر تاریخ ۸۶/۱/۱۸ رئیس پاسگاه حضوراً اظهار داشت این تاریخ همان ۸۶/۱/۲۸ بوده که در برگ ۲ گزارش نامشخص و به شکل ۸۶/۱/۱۸ خوانده می شود و اصل گزارش در مرجع قضائی کاملاً مشخص می باشد.

۴- بر اساس سوابق موجود تشکیل پرونده بر اساس صورتجلسه مورخ ۸۶/۱/۲۸ و گزارش چند نفر از اهالی معهور به مهر شورا تنظیم و اقدامات مامورین در جهت توقیف و معانعت از کار شروع شده است (البته همان طور که قبلاً نکر شد گزارش اهالی معهور به مهرشورا در سابقه موجود نبوده است).

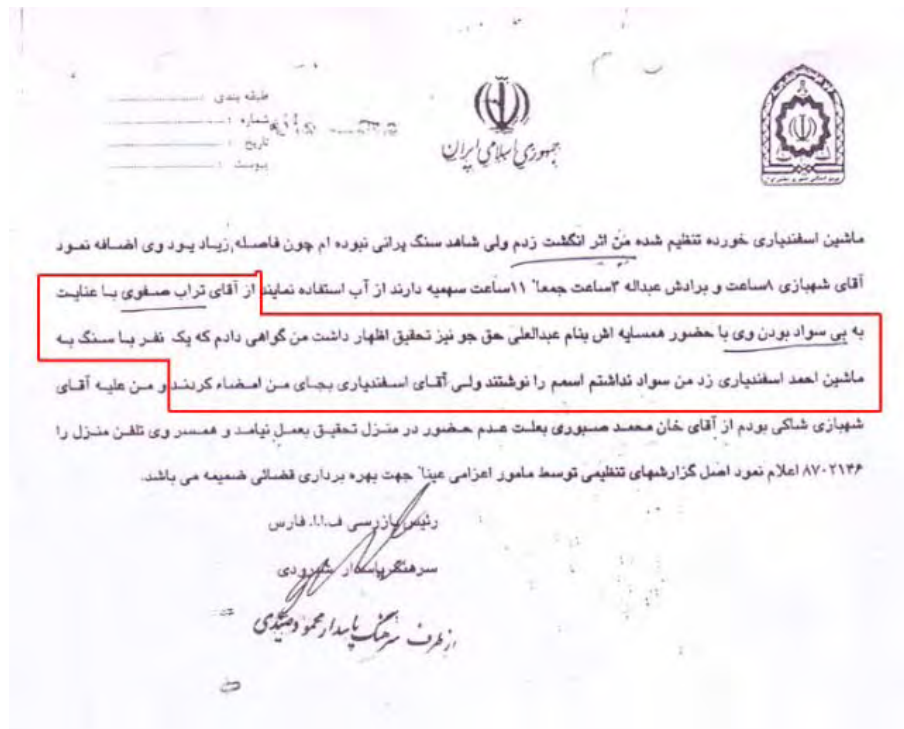
۵- هیچگونه دستور قضائی درخصوص توقیف بیل مکانیکی در سابقه موجود نبوده و دستوری در این خصوص از سوی قاضی محترم پرونده صادر نشده و صورتجلسه مورخ ۸۶/۱/۲۸ حکایت از توقیف بیل مکانیکی در ساعت ۱۷۰۰ و رفع توقیف در ساعت ۲۰۰۰ مورخ ۸۶/۱/۲۸ دارد البته در وقعه ۲۳ صفحه ۱۱۵ مورخ ۸۶/۱/۲۸ توقیف بیل مکانیکی ساعت ۱۴۰۰ درج و ثبت شده که رئیس پاسگاه اظهار داشته این موضوع اشتباهی درج شده و اظهارات راننده بیل مکانیکی را در خصوص توقیف بیل مکانیکی قبول دارم.

۶- در سوابق پرونده نیز هیچگونه دلائل و مدارکی در خصوص مالکیت شکات بر سر اراضی مورد دعوی که تعدادی از اهالی مدعی هستند متعلق به آنان می باشد و بر همین اساس معانعت از ادامه کار بیل مکانیکی شده است موجه نبوده است.

۷- صورتجلسه ای در مورخ ۸۶/۱/۳۱ تنظیم شده که به موجب آن تعدادی از اهالی مدعی بوده اند زمینها فاقد سند می باشد و از پدرانشان به ارث رسیده و همچنین اضافه شده که با هماهنگی بعمل آمده با منابع طبیعی زمینها جزء منابع ملی می باشد.

۸- در خصوص برآورد خسارت و تعیین میزان آن چون مدت زمان توقیف مشخص نمی باشد و تاریخ توقیف متناقص ثبت شده (ساعت ۱۴۰۰ و ۱۷۰۰ مورخ ۸۶/۱/۲۸) و رئیس پاسگاه مدعی است اظهارات راننده بیل را در خصوص ساعت توقیف و رفع توقیف قبول دارد و از طرفی راننده بیل در آن محل سکونت نداشته و در دسترس نبوده لذا اظهار نظر شا حضور راننده بیل مکانیکی و مشخص شدن مدت توقیف مقنن نمی باشد.

۹- در خصوص خواسته بند ۴ از آقای شاهپور قدسی یا مراجعه به درب منزل وی بیرامون چگونگی امضاء وی در تبیل صورتجلسه مورخ ۸۶/۱/۲۸ استفسار اظهار داشت من فقط چون بی سواد هستم گفتند صورتجلسه بخاطر کارکنان کشی و سنگی است که به



صفحه بعد:

ادامه همان شکایت من است. سرهنگ رجیبی، کارشناس خط، به بازپرس دادسرای نظامی گزارش داده که تعدادی از امضاها جعلی است. توجه کنید به اسامی که امضای آنها جعلی نیست: صمد جعفری فرزند زمان الله (همان که پدرم آن همه به پدر بزرگش و به پدرش کمک کرد)، احمد اسفندیاری فرزند ابراهیم (همان که شش هکتار باغ سر آسیاب قدیم ما را با حق آبه عدواناً تصرف کرده)، محمد اشرف سلطانفر فرزند اسکندر (معرفی شده)، علی یار راسخ فرزند بهمن (معرفی شده. همان پاسدار بازنشسته دون پایه که پدر و عمویش به "انقلاب سفید" شاه رأی دادند و پدرم تنبیه شان کرد و ساواک به این خاطر دشت کره دارنگان، ملک احیاء شده پدرم، را به آنها و بقیه شان بخشید)، منصور سلطانفر فرزند اسکندر (همان که دلال شرکت احرار فارس در موقوفه بدیجان است و به جرم کلاه برداری چند سالی نیمه مخفی است).

ک کارشناس رسمی دادگستری
رشته جمل خط و امضاء و بررسی آثار انگشت
و سایر امور مرتبط

شماره: ۱۴/۸۶/۲۴۴۰
تاریخ: ۸۶/۴/۱۰

براست که دایره بازرسی مراکز خان آکله شیراز
با قرار در اجراء کارنامه سرشناس پرونده شماره ۱۳/۸۶/۲۰۰/۵۵۵۵۶۶ منج مطالع
پرونده به بندگی تقدیر و قوه اسفاره ذیل است: بزرگ منته دهر با بزرگ منته است
متاخر راستگانه نامبرگان ذیل در پرونده و شایسته مدارک تحت تشریح شرح ذیل
اقدام نگردد:

الف) اسامی افراد و آغاز کار سرور ادعا است: (۱) کاربان (۱) محمد هجرتی فزینی
زمان ال: (۲) اسفندیار فزینی ابراهیم (۳) هارون سلطان فزینی اسفندی
(۴) علیرضا اسفندیار فزینی (۵) مران اسفندیار فزینی ابراهیم (۶) منصور
سلطان فزینی اسفندی

ب) مدارک منته دهر: (۱) بگرد هر قعه سرشناس ۲۹ اردیبهشت ۸۶ باسگاه دارنگان
(۲) بگرد درخاست عاره سرشناس ۲۹ اردیبهشت ۸۶ خطاب به بزرگ منته دهرنگان
(۳) بگرد درخاست عاره سرشناس ۲۹ اردیبهشت ۸۶ خطاب به بزرگ منته دهرنگان
ج) نظر بر کارشناسی:
۱-۱- امضاءات متبایه کاربان محمد هجرتی و منصور سلطان فزینی
تقریر در صحنه ۲

محل کار: شیراز - اداره تشخیص هویت و آزمایشگاه تلفن: ۰۲۳۳۴۵۰۴ - همراه: ۰۹۱۳۷۱۴۶۴۱۴

سر هنگ محمد علی رجبی
 کارشناس رسمی دادگستری
 رشته جمل خط و امضاء و بررسی آثار انگشت
 و سایر امور فرنید.

شماره: ۱۴۸۹۲۲۴۰
 تاریخ: ۸/۴/۸۷
 پوسه: ۸۷

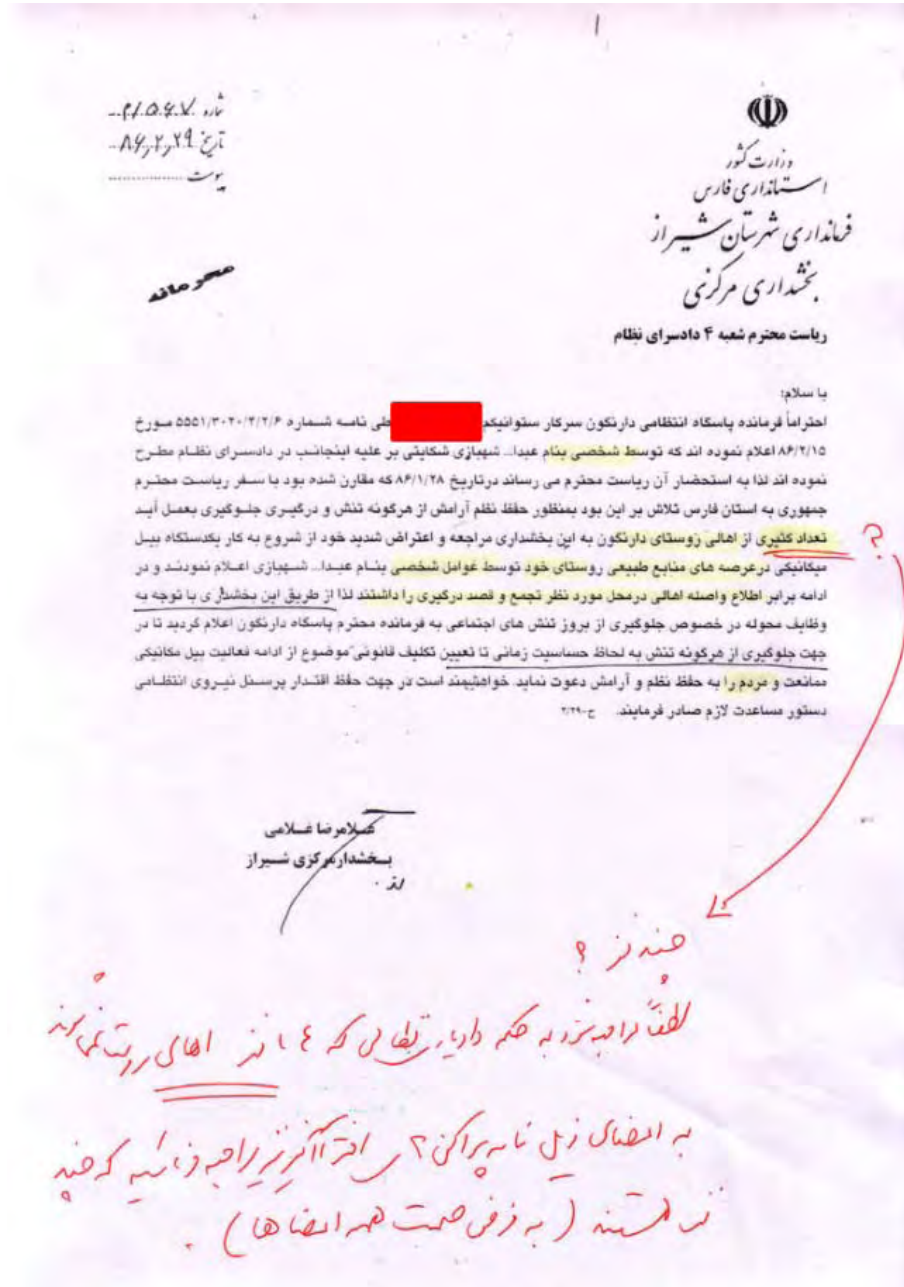
بسم الله الرحمن الرحیم

در زمین مدارک مستند دیگر با فرق التفر در مقابلیم با این تفر اسفادت معارفی و است کتابی
 نامید دگان از معتمدت و هرات و کمره ضروری و فائده، قدرت و فشار قلم و رسم و نیز گویان
 ندری و کمره در این اختلاط بوده و معالفت نه لرنه (مستری) به

(۲) اسفادت متبیه کتابان علی بار رابع، اهر اسفند بار کا، هرات
 سلطانفر، میران اسفند بار کا، مندرج در زمین مدارک مستند دیگر در مقابل با اسفادت
 متبیه در اسفادت نامید دگان در یک راستای فن تفر داشته و معالفت داره (مبتت)
 است در دیگر نظریه به هرات اوران است کتاب و نیز دیگر مدارک مستند دیگر با پوسه
 لغیر می گردد. فنان اصل مدارک مستند دیگر با پوسه دفتر مستقیم نامید دگان به هرات

رجب محمد علی رجبی
 کارشناس رسمی دادگستری
 رشته جمل خط و امضاء

محل کار - شیراز - اداره تشخیص هویت و آزمایشگاه - تلفن: ۲۳۳۴۵۰۴ - همراه: ۹۱۳۷۱۴۶۴۱۴



کار که به اینجا رسید «زراندوزان نظامی» خودشان را لو دادند.
غلامی، بخشدار مرکزی و کارگزار گوش به فرمان سرهنگ ابراهیم عزیزی (فرماندار)، نامه نوشت به

دادسرای نیروهای مسلح که چون «تعداد کثیری از اهالی روستای دارنگون» به کار بیل میکائیکی «شخصی به نام عبدالله شهبازی» معترض بودند، برای جلوگیری از تنش به رئیس پاسگاه دستور دادم بیل میکائیکی را توقیف کند.

فکر می‌کند بخشدار قاضی هم هست. برای خودش یک مهر «محرمانه» زده روی نامه! نمی‌داند با استناد به این نامه می‌توانم زندانی‌اش کنم.

صفحه بعد:

قرار مجرمیت صادره از دادسرای نظامی در پی شکایت من علیه فرمانده پاسگاه:

«صرفنظر از این که آیا دستور بخشداری در صدور دستور ممانعت از انجام کار شاکتی [عبدالله شهبازی] قانونی بوده یا خیر، متهم ردیف اول [فرمانده پاسگاه] با دستور بخشداری صرفاً می‌بایست کار شاکتی را تعطیل نماید نه این که بیل میکائیکی را نیز توقیف نماید. مضافاً بر این که متهم در صورت جلسات خود همه جا نگاشته "به درخواست اهالی بیل توقیف شده" حال آن که افرادی که ذیل صورتجلسه ۲۸/۱/۸۶ را امضا نموده‌اند ۱۲ نفر بیش تر نیستند و بنا به اظهارات احمد اسفندیاری عضو شورای محل علاوه بر این ۱۲ نفر ۴ نفر دیگر نیز حضور داشته‌اند. که واضح است درخواست ۱۶ نفر درخواست کل اهالی روستا محسوب نمی‌شود و مراد از درخواست اهالی این است که کل اهالی یا حداقل اکثریت آن‌ها جمع شوند و اعتراض نمایند تا بیم اغتشاش و ناامنی برود نه ۱۶ نفر که امضای ۲ نفر نیز جعلی است!»

«علیهذا، اتهامات متهم ردیف اول [فرمانده پاسگاه] در خصوص گزارش خلاف واقع و سوءاستفاده از موقعیت شغلی (توقیف غیرقانونی بیل میکائیکی) و اتهام متهم ردیف دوم در خصوص گزارش خلاف واقع محرز بوده، مستنداً به مواد ۷۸ و ۱۲۵ قانون مجازات جرائم ن. م. [نیروهای مسلح] قرار مجرمیت آنان صادر و اعلام می‌گردد.

دادیار شعبه چهارم. صنعتی. ۸۶/۳/۲

کار که به اینجا کشید، از شکایت خود علیه فرمانده پاسگاه صرفنظر کردم. آدم خوبی است. تازه به دارنگان مأمور شده بود. فکر می‌کرد دستور سرهنگ عزیز (فرماندار) یعنی قانون. خیلی ممنون شد و از من عذرخواهی کرد.

این نمونه طومارنویسی‌ها و جنجال‌های آقایان است. «عده‌ای که تعدادشان به انگلستان دست نمی‌رسد» (تعبیر آقای چنانه) با حمایت «مافیای زمین خوار شیراز» چنین جسارتی پیدا می‌کنند. همیشه کوشیدم نظم و قانون را رعایت کنم. سرخیان را به رعایت قانون و حفظ آرامش دعوت کرده‌ام. در همین دو ماه اخیر نیز همین رویه را دنبال کردم. می‌دانم تحریک می‌کنند تا عصبی شوم و رفتاری کنم که بهانه بیابند برای پرونده‌سازی علیه من.

بسمه تعالی

دنباله

تاریخ: ۲۲/۳/۸۶

صفحه یک از یک صفحه

سازمان قضایی نیروهای مسلح



دادنامه مستقیم نظامی نارس

سلام علیکم احتراماً در خصوص اینک استماع استماعی که مستقیمه ۱ استخوان یکم [REDACTED] جمعی باسگله دارنگون (فرمانده باسگله) فاقد سابقه آزادبندی قبولی کفالت و اثر بر گزارش خلاف واقع و سوء استفاده از موقعیت مغللی استوار دوم جمعی باسگله دارنگون فاقد سابقه آزادبندی قبولی کفالت و اثر بر گزارش خلاف واقع و جایزه شصت سو منوع شکایت آقای عبدالقادر شهبازی باو کالت آقای علی اسدی (صحنه مستقیم ردین اول نیز مهمل محلیه وکیل دادگستری) براب عنوانه وکیل معوض نموده است. بدین شرح که در حال حاضر کفالت برای لوکلنداری جهت مشور و مشوره اراضی زراعی هجوه بوده اند که منوع مورد اعتراض اهالی قرار گرفته که آنها با باسگله مراجعه نموده (ساعت ۲۴ مورخ ۲۲/۳/۸۶) و تقاضای مساعدت از کارکنان می نمایند که مستقیم ردین اول با صلح عقدی مراجعه نموده لکن عوامل متاثر در صلح نمودن آنکار صفای بر جای بوده مجدد اصرار بر بعد از احوالی با باسگله مراجعه تقاضای مساعدت از کارکنان می نمایند که مستقیم ردین اول با صلح مراجعه و تقاضای مساعدت از کارکنان می نمایند که عوامل مستقیمه ۱ می نمایند و خواستار دستور قضایی برابر توفیق کار می گردند. مستقیمه ۱ می نمایند بعد از احوالی با صلح مراجعه به حالت اعتراض و حشم به باسگله مراجعه و خواستار صلح می نمایند که مستقیم ردین اول پس از تماس با بعضی از وکیل معوض و مساعدت از انجام کار با صلح مراجعه و کار را مستقیم و بیل مکتوبی را توفیق و به باسگله دلالت می نماید که در ضمیمه مستقیمه ۱ و ظاهر در یک است بعد با دستور جانشین منطبق از بیل رفع توفیق می نماید مستقیم ردین اول نامه ای از بعضی از کارکنان ارائه نموده که دلالت مستقیمه ۱ مستقیمه ۱ بر مساعدت از انجام کارکنان با لحاظ جلوگیری از تنش می نماید مستقیم

سازمان قضایی نیروهای مسلح

۲۲/۳/۸۶

بسمه تعالی



سازمان قضایی نیروهای مسلح

تاریخ: ۲۶/۴/۸۶

صفحه دو از سه صفحه

دنباله

ردیف اول در اظهارنامه خود (برگ ۱۱۵) نگاشت که « دستور دادند که از ادا کار بیل
 مکا نیکی جلوگیری شود » در متن مراعات اظهار داشت که دستور توقیف بیل داده
 نشده بود و با درخواست و اظهار مردم بیل تراش و قیف نمودم. صرف نظر از اینکه
 آیا دستور بختداری در صدور دستور سازماندهی انجام کار است یا قانونی بوده
 یا خیر، دستور ردیف اول با دستور بختداری منافات با کار مکا نیکی را تعطیل
 نماید تا آنکه بیل مکا نیکی را نیز توقیف نماید مضافاً به اینکه دستور در مراعات
 خود همه جا نگاشت که درخواست اعالی بیل توقیف شده حال آنکه افرادی
 ذیل صورت جلسه ۲۸ مورخ ۲۶/۴/۸۶ را امضاء نموده اند که از بیست و نه نفر است و بنا بر اظهار
 احرار اسفند باری عضو شورای محل علاوه بر این ۱۲ نفر دیگر نیز حضور داشته اند
 که واضح است ۱۶ نفر درخواست اعالی روستا معصوم نیز خود و مواد از
 درخواست اعالی امیه است که کل اعالی یا حداقل اکثریت آنرا جمع نمودند و مراعات نمایند
 تا بجمع آید و نا اصبحتی بهر دو نفر ۱۶ نفر که امضای آنرا نیز جعلی است!

صنعتی که بعد از جلب اول تحقیق مسترحه عمل خلاف قانون خود شده برای
 وزارت معجز است به سوء استفاده او و تعدد نفوس و مانند بیل مکا نیکی را احضار
 و صدور جلب او تنظیم نموده که چنانچه از این امر که براننده بیل جهت در امان
 مانده از آب مردم از فرمانده یا نگاه (صنعتی اول) تقاضا نموده که
 بیل را در پایگاه نگاهدار کنند و توقیف اتفاق نیافته، حال آنکه تقاضای
 صورت جلسه اول و صحت اظهارات صنعتی در جلب اول تحقیق نگویان
 توقیف بیل مکا نیکی است و حتی در گزارش نهایی به دادسرای عمومی و انقلاب
 افزودند که صنعتی محمد مراد انقلاب در خصوص توقیف یا آرایش بیل که تکلیف
 شده و در جریان نیز قید شده که بیل با دستور جانشین مطلقاً آزاد شده
 بدین است که اگر درخواست براننده بیل به پایگاه آورده می شود برای
 آزادگی آن نیاز به تحقیق کتب تکلیف اندام میگیر نبود مضافاً به این که اصطلاح
 توقیف را در بار حقوقی خاص است که هیچگاه با اختیار صاحب ملل مراعات

صنعتی
 ۲۶/۴/۸۶

۱۲۱

بسمه تعالی



سازمان قضایی نیروهای مسلح

تاریخ: ۲۲/۳/۸۶

صفحه ۱ از ۳ صفحه

دنباله

صورتجلسه اجازت محض و با ستم صورتجلسه ۱۵/۲/۸۶ چند نویسه به هر دو ستم زوجه داده شده و حتی احضار ریا این برای راننده تنظیم و تحویل مستقیم شده تا با وی ابلاغ و وی را حاضر نمایند لکن وی را حاضر نگردید و اعلام کرده اند که آدرس انزلی ندارند حال آنکه ستم زوجه جوهره دفتر اعلام نموده که آدرس کامل وی را دارد و حتی شماره تلفن همراه وی را نیز داشته اند که متأسفانه وی را حاضر ننموده اند در حضور صوری جلسات تنظیمین بیگانه که هیچگونه سند مستند ردیف دوم تنظیم شده نیز برین گزارش است و اعلام است ظلم واقع و مورد دارد همه جمله اینکه در صورتجلسه ۲۸/۲/۸۶ امضا نمودن دو نفر از امضا کنندگان مجلسی است و یا عقیده اهل بیروت است یا بیگانه را معارضه نموده اند در حالی که حد اکثر آشنایان را معاند کرده بودند و یا عقیده در صحت و افضح آنان بهر شهید می باشد در حالی که یکی بنویسید در رسید در بیرون آنجا بنویسید و یا عقیده شود که متبا با تقاضای اهل بیروت بر سر محله کار بییل یکا نیکی حاضر و اقدام با توقیف بییل نموده به حال آنکه در دفاعیات بدون اعلام نموده که به دستور بعثت در کار امیر متوقف نموده و با تناقض در گزارشات که در گزارش اول عقیده شده بییل توقیف شده لکن در گزارش ۱۵/۲/۸۶ مکتوب نموده که بییل بعد از خود ابراشده که با سگله آورده شده علی هذا این ماست ستم زوجه اول در حضور گزارشین ظلم واقع و سوء استفاده از نفوذ مختصه فعلی (توقیف غیر قانونی بییل سکا نیکی) در اتهام ستم زوجه دوم ^{سهم} ^{بلا} ^{توقیف} ^{گزارش} ^{ظلم} ^و ^{توقیف} ^{موضوع} ^{مورد} ^{سود} مستنداً به مواد ۷۸ و ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی ^{موضوع} ^{مورد} ^{سود} ^{مورد} ^{سود} و اعلام می گردد.

دو بار در وقت ظهر
صنعتی
۲۲/۳/۸۶

بسم الله الرحمن الرحیم
 سند ۱۱۹۳۷
 شماره ارضی ۷۵۴۲۰
 شماره ثبت ۱۱۹۳۷
 بهر وجه در دست تشریح از مافیای شیراز
 بخشه ارضی محترم مرکزی شهرستان شیراز
 معهود از اهل دارش که بر وجه این بخشه ارضی محترم را عاید کرد
 عفو غلامی علی بن ابی طالب تراست که نام او غیر قانونی دال بر جلوگیری از فعالیت بی مکانگی اینت
 ارضه کننده. ترفیع این که کار بی مکانگی قانون بر ارسال بر وجه شدن سه کیلو متر اولی از این ترفیع
 پس از آرد برد. آرد است عفو فرمان معهود از ارضی محترم از آن داد و در وجه بر آرد بر وجهی که
 به این آن این اعطای کند آن بخشه ارضی محترم است.
 علمینا، به استحضاری رساند که اینت وضا ترا به ام ماکه مش لند هر دانگ لند از این
 دارش (دارش بدگ ۲۰۰ بخش ۱۲۰۰) می بینم و اینت مالکیت مسترد در زمانه سابقان
 ثبت اسناد در اداره ثبت مالکیت است. اکثره عینه خانواره حق از این زمین هر قا
 جلوگیری از اعداات قانونی اینت برای اعاده حقوقی باشد. لزم به ترفیع است که
 هم اکنون کرده ترفیع و اتمام از ارضی محترم که از ارضی محترم در شعبه ۱۹ شیراز پس از ثبت
 و تعیین آگاهی نمودن است در جاصل اینت و حاصل شده است در در بر فراز آفتاب محترم
 (در اصل سه نفره لند در شیراز است) و تکیهات حقوقی اینت دال بر وجه افعال در ترفیع
 زمین را به ترفیع محترم طرح است. علمینا، راست را (فهم آن بخشه ارضی محترم
 مکتوب شد به این اسد که هر چه در دست این معهود و عوار از اینت و عوام قرار
 را من بعد خوارت «عوه کتبی» از اهل رویتا ثبت کنید.
 ۱۱۹۳۷

شکایت غلامی بخشدار را نکردم. گفتم جوان است. این تذکر را دادم.
 هنوز حق شکایت علیه او برایم محفوظ است.



دسته گل دیگر بخشدار مرکزی شیراز:

عده‌ای جوان پرشور انقلابی و مسلمان خواستند جشنواره بگذارند در روستای قلعه چوبی به اسم جشنواره قره آقاج (همان رودخانه بزرگی که از کوهمره شروع می‌شود و به خلیج فارس می‌ریزد). هر جا رفتند کمک‌شان نکردند. نه مالی نه معنوی. من با وزیر تماس گرفتم. آقای صفار هرنندی بزرگواری کردند و بی‌توجه به «شئونات وزارت» برای این جشنواره پیام اختصاصی دادند. چون «یوم الحرب» است مجبورم اعتراف کنم که کمک مالی هم کردم به این جشنواره. جشنواره باشکوه برگزار شد. در روزنامه‌های شیراز انعکاس گسترده یافت. به دستور سرهنگ عزیزی، غلامی بخشدار این جوانان را کلافه کرد. مرتب احضار به بخشداری که چه کاسه‌ای زیر نیم کاسه بود!

«چرا بدون اجازه بخشداری از وزیر پیام گرفته‌اید!»



جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزیر

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به جشنواره فرهنگی - هنری «قره آقاج»

شیراز - ۸۶/۸/۶

در سالی که به نام اتحاد ملی و انسجام اسلامی مزین شده، برای من جای خرسندی و افتخار است که می‌بینم جمعی از عشایر و طوایف استان فارس - که مهد اصیل‌ترین آداب و رسوم ایرانی است - به ابتکار خود گردآمده و قصد دارند در مجلس صمیمی به بزرگداشت آیین ایرانی - اسلامی خویش بپردازند. منطقه‌ای که این مراسم در آن برگزار می‌شود یعنی منطقه «کوهمره سرخی و سیاخ دارنگون شیراز»، آنگونه که من دریافتام یکی از قدیمی‌ترین مناطق عشایری ایران و از این جنبه دارای نوعی اصالت تاریخی منحصر به فرد است. در طول سالیان درازی که از عمر این منطقه و مردم نیکخو و پاک سیرت آن گذشته، هرگز جز ذکر خیر دربارہ آنها به خاطر و خامه هیچ مورخ و نویسنده‌ای راه نیافته و به همین دلیل است که وقتی در تاریخ روابط اجتماعی این منطقه تفحص می‌کنیم، هرچه هست شجاعت است و مناعت طبع و آزادگی.

تاریخ شهادت می‌دهد مردم کوهمره سرخی و سیاخ دارنگون جزو نخستین طوایفی بودند که در ایران به تشیع گرویدند و پس از آن نیز همواره نسبت به عهدی که با فرهنگ علوی بسته بودند پای بند ماندند. مهم‌ترین عرصه تجلی این فرهنگ عمیق را آنجا می‌توان دید که در دهه‌های اول قرن جاری سلحشوران این منطقه در مقابل بیگانگان و ایادی داخلی آنها سرافرازانه ایستادند و شربت شهادت را چون شهدی گوارا سرکشیدند تا سر در مقام ظلم و جور فرود نیاورده باشند. در زمان تجاوز استعمار انگلیس و اشغال جنوب ایران توسط قشون انگلیس به حکم علمای بزرگ وقت بمویزه آیت‌الله العظمی سید عبدالحسین مجتهد لاری در کنار سایر عشایر فارس پرچم جهاد را برافراشتند و بزرگترین جنگ‌های کلاسیک علیه ارتش متجاوز انگلیس و عوامل ایرانی آن‌ها در این منطقه از جمله در خان‌خویس و دارنگان انجام گرفت که در جنگ بزرگ خان‌خویس به شکست قشون سی هزار نفره انگلیسی‌ها و عقب‌نشینی آن‌ها به شیراز انجامید. مردم منطقه کوهمره سرخی و سیاخ دارنگون مفتخرند که بزرگ‌ترین قسام عشایری را از زمستان ۱۳۴۱ تا بهار ۱۳۴۲ در منطقه خود در حمایت از



جمهوری اسلامی ایران
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 وزیر

امام راحل(ره) آغاز کردند و نام منطقه فوق را به عنوان تنها منطقه‌ای در تاریخ ایران به ثبت رسانیدند که فرزندوم شاه موسوم به انقلاب سفید در آن انجام نشد و سران منطقه در اعلامیه‌های خود خویشتن را «فدای اسلام، روحانیون و آیت‌الله خمینی» خواندند و به این ترتیب نام خویش را در تاریخ نهضت امام خمینی ممتاز کردند. این روند و روحیه پس از انقلاب اسلامی نیز، متتها این بار در جهت حراست از دستاوردهای انقلاب ادامه یافت. مطابق اسناد موجود مردم این منطقه در انقلاب و جنگ تحمیلی و سپاه عشایر فارس فعالانه مشارکت نموده‌اند و با تقدیم قریب به یکصد شهید پایداری خود را در دفاع از اسلام به اثبات رسانیدند. و اما آخرین نکته که گمان می‌کنم اشاره به آن در اینجا لازم است این است که با قاطعیت می‌توان گفت کوهمره سرخی و سپاخ دارنگون نمادی از اتحاد و پیوند قومی و همبستگی طوایف مختلف است .

در این منطقه عشایر کوهنشین در کنار روستائیان یکجا نشین، مردم ترک زبان ایل بزرگ قشقایی در کنار مردم فارس زبان طوایف بومی کوهمره زندگی دوستانه و مسالمت‌آمیز دارند و به رغم کثرت و حضور طوایف فراوان کم‌ترین نشانی از نزاع‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای نداشته‌اند و از این حیث می‌توان آنها را الگویی از اتحاد ملی و انسجام اسلامی به شمار آورد. برای همه برادران و خواهران بزرگوار شادکامی و سلامتی آرزو می‌کنم. اطف

محمد حسین صغار هرندهی



سبحان

شماره ۴۳۳۹ - ۱۲ شهریور ۱۳۹۲ - ۱۲ آبان ۱۳۸۶ - شماره ۲۳۳۹

برپایی جشنواره فرهنگی هنری قره آغاج در سیاح دارنگون

شهرستان دارنگون از شهرهای باستانی و مهم ایران است. این شهرستان که در استان آذربایجان شرقی واقع شده، دارای مناظر طبیعی زیبا و تاریخی است. به همین دلیل، برگزاری جشنواره فرهنگی هنری قره آغاج در این شهرستان، فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با این منطقه و تقویت روحیه ملیت‌پرستی در بین اهالی آن.

این جشنواره در سیاحت دارنگون برگزار می‌شود. در این جشنواره، مردم با نمایشگاه‌های صنایع دستی، نمایش‌های فرهنگی و هنری، مسابقات ورزشی و تئاترهای سنتی آشنا می‌شوند. همچنین، مردم با غذاهای سنتی و صنایع دستی این منطقه بازمی‌آشنایی کنند.

شهردار شهرستان دارنگون، در این باره اظهار داشت: «این جشنواره فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با این منطقه و تقویت روحیه ملیت‌پرستی در بین اهالی آن. همچنین، مردم با صنایع دستی و غذاهای سنتی این منطقه بازمی‌آشنایی کنند.»



در این جشنواره، مردم با نمایشگاه‌های صنایع دستی، نمایش‌های فرهنگی و هنری، مسابقات ورزشی و تئاترهای سنتی آشنا می‌شوند. همچنین، مردم با غذاهای سنتی و صنایع دستی این منطقه بازمی‌آشنایی کنند.

شهردار شهرستان دارنگون، در این باره اظهار داشت: «این جشنواره فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با این منطقه و تقویت روحیه ملیت‌پرستی در بین اهالی آن. همچنین، مردم با صنایع دستی و غذاهای سنتی این منطقه بازمی‌آشنایی کنند.»

قره آغاج به خود بالید

به این راه که همه مسئولان برای رسانیدن عیار به جایگاه وطنی شان تلاش می‌کنند. این مسابقه در دو بخش نواز و آواز برگزار می‌شود. در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند.

در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند. در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند.

در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند. در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند.



در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند. در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند.

در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند. در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند.

در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند. در این مسابقه، مردم با آوازهای زیبا و نوازهای متنوع آشنا می‌شوند.

استان دانشگاهی جهان در کنگره بوشیمی شیراز

کنگره بین‌المللی بوشیمی شیراز، یکی از بزرگترین رویدادهای علمی است که هر دو سال یکبار در شیراز برگزار می‌شود. در این کنگره، محققان از سراسر جهان گرد می‌آیند تا آخرین دستاوردهای خود را در زمینه شیمی به اشتراک بگذارند.

این کنگره فرصتی است برای تبادل نظر و همکاری بین محققان از کشورهای مختلف. همچنین، محققان می‌توانند از دستاوردهای علمی دیگران آموختند.



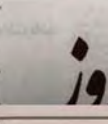
این کنگره فرصتی است برای تبادل نظر و همکاری بین محققان از کشورهای مختلف. همچنین، محققان می‌توانند از دستاوردهای علمی دیگران آموختند.

این کنگره فرصتی است برای تبادل نظر و همکاری بین محققان از کشورهای مختلف. همچنین، محققان می‌توانند از دستاوردهای علمی دیگران آموختند.

تخلیه از روز

تخلیه از روز، یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی و اجتماعی است که هر سال در تهران برگزار می‌شود. در این رویداد، مردم با نمایشگاه‌های هنری، نمایش‌های تئاتری و مسابقات ورزشی آشنا می‌شوند.

این رویداد فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با هنر و ورزش. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگران آموختند.



این رویداد فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با هنر و ورزش. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگران آموختند.

این رویداد فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با هنر و ورزش. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگران آموختند.

باسخ عملی صنایع دفاع به نگرینهای آمریکا

نمایشگاه صنایع دفاعی ایران، یکی از بزرگترین رویدادهای علمی و فناوری است که هر سال در تهران برگزار می‌شود. در این نمایشگاه، مردم با دستاوردهای علمی و فناوری ایران آشنا می‌شوند.

این نمایشگاه فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با دستاوردهای علمی و فناوری ایران. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فناوری دیگران آموختند.



این نمایشگاه فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با دستاوردهای علمی و فناوری ایران. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فناوری دیگران آموختند.

این نمایشگاه فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با دستاوردهای علمی و فناوری ایران. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فناوری دیگران آموختند.

جشنی با رنگ و بوی متفاوت

جشن با رنگ و بوی متفاوت، یکی از بزرگترین رویدادهای فرهنگی و اجتماعی است که هر سال در تهران برگزار می‌شود. در این جشن، مردم با نمایشگاه‌های هنری، نمایش‌های تئاتری و مسابقات ورزشی آشنا می‌شوند.

این جشن فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با هنر و ورزش. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگران آموختند.



این جشن فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با هنر و ورزش. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگران آموختند.

این جشن فرصتی است برای آشنایی بیشتر مردم با هنر و ورزش. همچنین، مردم می‌توانند از دستاوردهای علمی و فرهنگی دیگران آموختند.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جنگلها و مراتع کشور
اداره کل منابع طبیعی استان فارس
اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز

بسمه تعالی

از: **اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز**
به: **منابع طبیعی بخش مرکزی شیراز**
موضوع: **تقاضای برادر خدابخش عباسی جانباز محترم جنگ تحمیلی**

با سلام،
به پیوست تصویر نامه های شماره ۲۵۶۱۳-ی ۸۳/۷/۲ مدیریت جهاد کشاورزی شیراز منضم به تصویر نامه شماره ۳۳۲۷۵-۸۳/۷/۷ اداره کل متبوع ارسال، شایسته است با رعایت کلیه مقررات در صورت وجود اراضی ملی بلا معارض بدون پوشش گیاهی که دارای اعمال مقررات ماده ۱۳ باشد اقدام و نتیجه را با تکمیل فرم وضعیت اولیه و کروکی مربوطه گزارش نمائید.

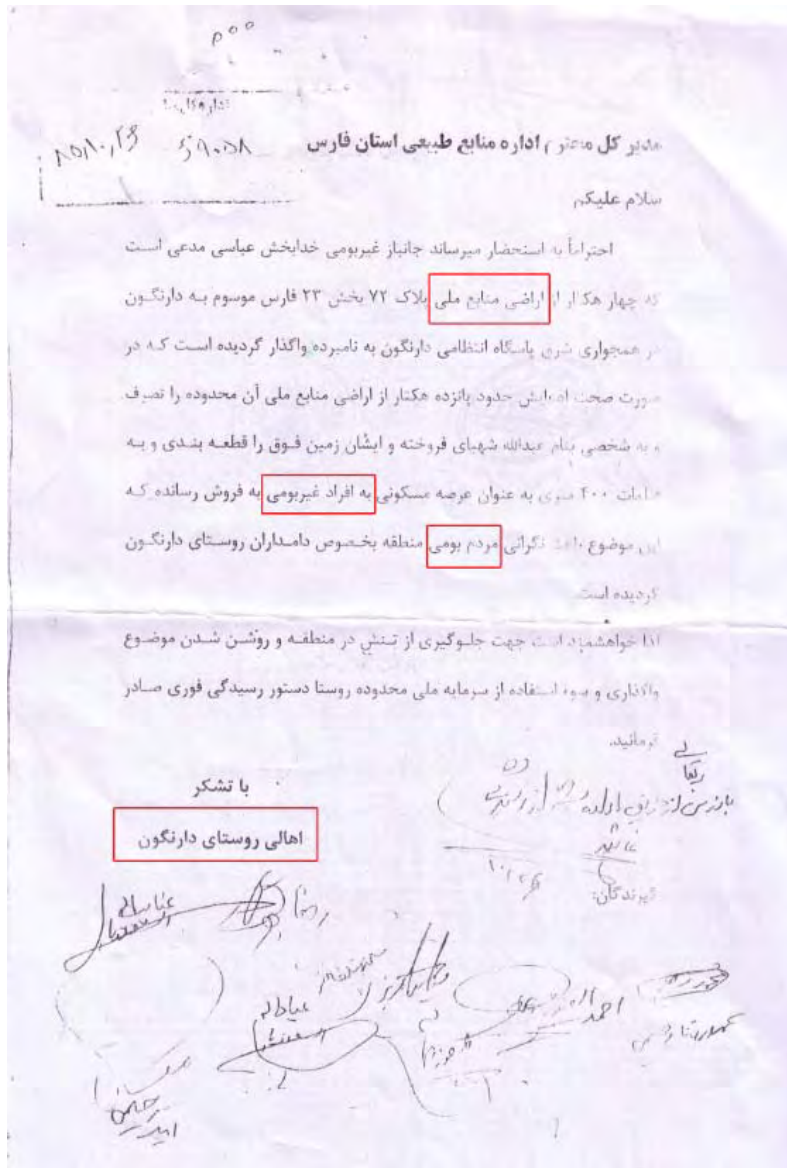
سید محمود حسینی
رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز

۹۹۷۰
۱۳۸۳/۷/۱

۸۵۷/۱۸
۱۳۸۳/۷/۱

آدرس: شیراز - ابتدای بلوار جمهوری کدپستی: ۷۱۴۴۹ - ۹۳۴۴۶ تلفن: ۲۳۹۷۱۱ - ۲۳۹۸۷۰۶

توطئه واگذاری زمین من به یک جانباز قطع نخاعی هفتاد در صد آغاز می شود
سید محمود حسینی قانون می داند، قانونی می نویسد، غیر قانونی عمل می کند
زمین واگذار شده هم معارض داشت (شکایت من و خانواده ام در دادگاه حقوقی)،
هم مقررات ماده ۱۳ اجرا نشده بود. چگونه واگذار کردید؟
من از این حقم نیز گذشتم و نهایت کمک را به آقای عباسی (جانباز فوق) کردم. خانه دار شده.
زندگی خوبی پیدا کرده. با زندگی اش بازی کرده بودند.



همان چند نفر دارنگانی بازی جدیدی را شروع کردند دیدند تیرشان به هدف نخورد: من با جانباز فوق درگیر نشدم و حتی دستگاه‌هایم را فرستادم تا زمین خودم را برایش تسطیح کند.

این نامه را نوشتند که شهسازی می‌خواهد زمین را به «افراد غیربومی» (یعنی طوایف سُرخ‌خ) بفروشد و این مسئله «باعث نگرانی مردم بومی» شده. درباره این «بومی» و «غیربومی» بودن‌ها در متن توضیح داده‌ام. نگاهشان به سُرخ‌خ‌ها عین نگاه صهیونیست‌هاست به فلسطینی‌ها! به اسامی امضاکنندگان توجه کنید. همان چند نفر هستند. اگر شما بودید به این نامه اعتنا می‌کردید؟



ولی مهرزاد خرد، مدیرکل منابع طبیعی، اعتنا می کند. خیلی برایش مهم است. رئیس مافیای زمین خوار شیراز به او دستور داده که فوری حال شهبازی را بگیر! ۲۶ دی ۱۳۸۵ نامه به دستش می رسد، در همان ۲۶ دی ۱۳۸۵ دستور می دهد به حسینی، رئیس منابع طبیعی شیراز، که «دقیقاً به موضوع رسیدگی و نتیجه را گزارش فرمائید.» آفرین به این سرعت عمل. بیخود امسال به عنوان مدیرکل نمونه منابع طبیعی کشور اعلام نشد. باید قدرشناس چنین مأمور گوش به فرمانی بود. خرد نوشته: «فردی به نام عبدالله شهبازی». او در ۱۴ بهمن ۱۳۸۴ آمد دفتر من و کلی خواهش و تمنا که برایش پارتی بازی کنم و مدیرکل شود. آن زمان آژانس تاکسی را از مرحوم ش. ت. اجاره کرده بود به خاطر دلالتی زمین قلات و از این طریق امرار معاش می کرد. خرد نمی داند من با آن مرحوم دوست صمیمی بودم. حالا من شدم «فردی به نام عبدالله شهبازی»!




سازمان حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی ایران
 اداره کل منابع طبیعی شهرستان شیراز
 اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷
 شماره: ۱۶۷۳۰

از: اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز
به: منابع طبیعی بخش مرکزی
موضوع: تخریب و تصرف منابع ملی پلاک ۷۲ دارنگون

باسلام،

شایسته است حسب تصویر نامه شماره ۶۹۰۸۵-۸۵/۱۰/۲۶ و ضمام پیوستی با توجه به حساسیت موضوع سریعاً از محل بررسی و بازدید لازم به عمل آورده، ضمن توجیه شاکی نتیجه را جهت انعکاس گزارش نمایید. ام

سید محمود حسینی
 رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز

رونوشت:

- واحد حفاظت و بگان حفاظت جهت اطلاع.
- بایگانی جهت درج در پرونده مکاتبات با بخش ها.

با احترام
 دستیار: *[Handwritten Signature]*

مهلتاً بهج طبیعی مرکزی
 تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۲۷ شماره: ۲۳۰۱

شیراز - میدان ولایت جمهوری
 تلفن: ۷۷۹۶۸۳۲۲ - ۷۷۹۶۸۳۲۱

۲۷ دی ۱۳۸۵، روز بعد، حسینی به بخش مرکزی دستور رسیدگی می دهد

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جنگلها و مراتع کشور
اداره کل منابع طبیعی استان فارس
اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز

لایحه منابع طبیعی بخش رزن

با سلام

احتراماً در خصوص نادیده نشدن ۱۹۷۳ متر مربع ۲۷، ۱۰، ۲۷ در ثبت بلا در خزانه
ناحیه منابع طبیعی بخش رزن در منطقه آب پاک می ریزد روی دست آقایان که گزارش خلاف واقع بوده.
مذاخمت منبیس در پلاک دارنگون مقدار چهار هکتار زمین که تحت مالکیت
خود قرار داده را به صورت سطح زمین تسطیح نموده جهت اطلاع
واقعات لازم.

ناحیه منابع طبیعی بخش رزن
بلا در خزانه

آدرس: شیراز - ابتدای بلوار جمهوری کدپستی: ۷۱۴۴۹ - ۹۳۴۹۶ تلفن: ۲۲۹۸۷۰۶ - ۲۲۹۴۷۱۱

۲۸ دی جنگلیان منطقه آب پاک می ریزد روی دست آقایان که گزارش خلاف واقع بوده.
خلاف به عرضتان رسانده اند! این هم پاسخ به بند ۳ جوابیه آقای چنانه!

اما ماجرای استقرار دامداران کوه‌نشین سُرخ‌ی:

اصل ماجرا صحیح است. جای زمین را اشتباه گزارش دادند. جای زمین اینجا است: روستای پشت پر دارنگان.

من قصد دارم برای تعدادی از عشایر سُرخ‌ی، که بومی‌ترین مردم منطقه‌اند، و از فسا و نی‌ریز و اقلید و آباد و سروستان، خرمی و ادریس آباد و همت آباد و صغاد و جای دیگر، به دارنگان نیامده‌اند و دویست سال سند مکتوب خرید اراضی دارنگان دارند، در زمین هدایی خود خانه بسازم تا عشیره و خویشانم در زمان کوچ به مراتع دارنگان‌شان دیگر چادرنشین نباشند. این حداقل دین من به آن‌هاست.

مکانش روستای پشت پر دارنگان است. باغ پدرم بود. باغی بزرگ و نمونه در فارس. از ابتدای جاده تا در قلعه پدرم در دو بر سپیدارهای بلند بود با چراغ برق. خانه‌ها و روستا را بعداً ساختند. محل زندگی اسفندیاری‌ها و سلطانفرها در سمت غربی تنگ چنارزرد در قلعه‌های خودشان بود. هنوز بقایای قلعه محمد اشرف خان (نیای سلطانفرها) و باقر خان (نیای اسفندیاری‌ها) موجود است. این قسمت قلعه شخصی و خانه‌های رعایای پدرم بود.

پس از شهادت پدرم، مستأجرین منتخب ساواک، از دو خانواده اسفندیاری و سلطانفر، این باغ را نابود و زمین‌هایش را غارت کردند. ۹ هکتارش را دزدانه به دیگران فروختند و شد روستای پشت پر. به موقعش از یکایک خریداران سند و مدرک خواهم خواست و علیه فروشندگان تحت عنوان «فروش مال غیر» شکایت خواهم کرد.

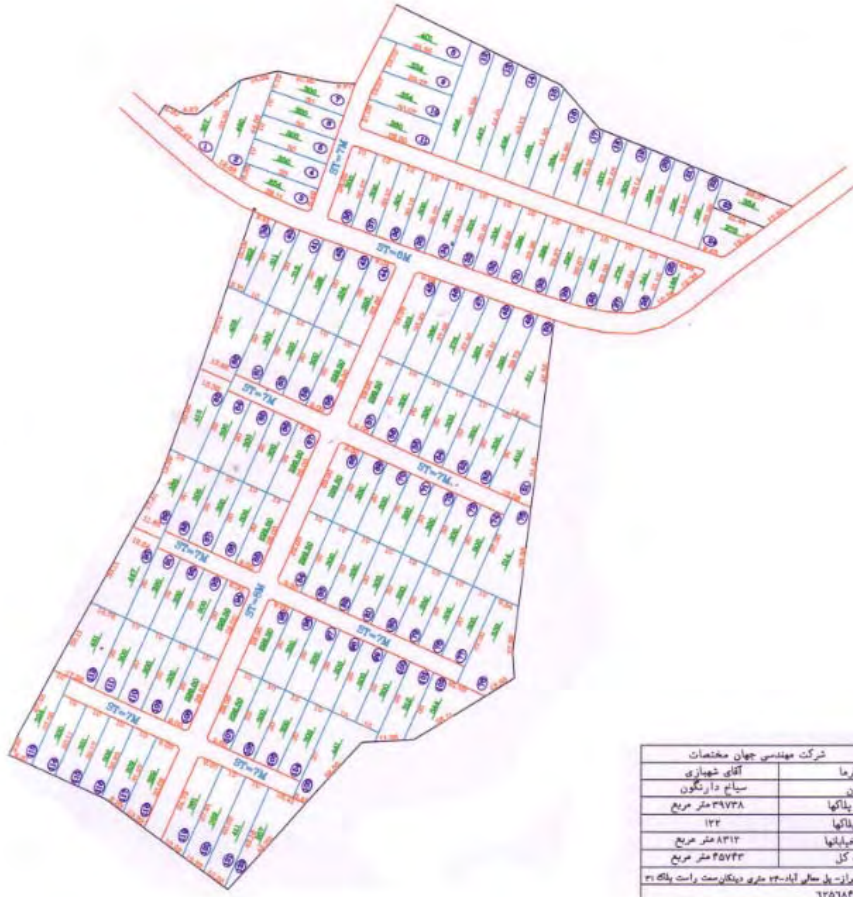
آن مقداری را که برایمان ماند در سال ۱۳۶۸ به زور پس گرفتم. بولدوز یک مرودشتی را اجاره کردم و تک و تنها روی گلگیر بولدوز در کنار راننده نشستم. هیچ کس همراهم نبود. محافظی نداشتم. راننده که کاری به زدو خورد من نداشت. تمامی زمین‌های باقیمانده برای ورثه حبیب شهبازی را تسطیح کردم. هدایت‌الله و عنایت‌الله اسفندیاری و عده‌ای دیگر آمدند با هیاهو و جنجال که اینجا حریم روستاست، آنجا زمین فوتبال روستاست. تهدید کردند. نهیب‌شان کردم. حتی خواستم بزخم به گوش عنایت‌الله. یکی ممانعت کرد. جرئت نکردند جلوگیری کنند. من شجاع هستم اسمش را گذاشته‌اند روی یکی دیگر.

در عکس ماهواره‌ای صفحه بعد وضع این زمین‌ها را به شرح زیر توضیح می‌دهم:

- ۱- محل قلعه مرحوم پدرم،
- ۲- زمین‌هایی که در تقسیم میان ورثه سهمی من شده. همانجایی که می‌خواهم کتابخانه و مرکز تحقیقات و آرشیو دیجیتال تأسیس کنم،
- ۳- زمین و باغ و خانه خواهرم، خانم دکتر شهربانو شهبازی،
- ۴- زمین و باغ برادرم، احمد شهبازی،
- ۵- زمین برادرم، آقای شهباز شهبازی و سایر ورثه،
- ۶- زمین خواهرم، خانم پروانه شهبازی،
- ۷- زمینی که برای مسجد و مدرسه هبه بلامعوضه کرده‌ام،
- ۸- بیش از ۹ هکتار زمینی که مستأجرین در زمان اجاره دزدانه فروخته‌اند و شده روستای پشت پر،
- ۹- زمینی که برای خانه تعدادی از مالکین سُرخ‌اراضی و مراتع دارنگان طراحی و تفکیک شده،
- ۱۰- زمین آقای شهباز شهبازی و سایر خواهران و برادرانم،
- ۱۱- زمین سایر خواهرانم،
- ۱۲- باغ شش هکتاری ایتاعی پدرم به نام «باغ سر آسیاب قدیم» که در تصرف غاصبانه احمد و مهران اسفندیاری است،
- ۱۳- باغی که غاصبانه سلطانفرها در زمین ما احداث کرده‌اند،
- ۱۴- باغ پنج هکتاری محمد اشرف سلطانفر در زمین دزدیده شده از ما،
- ۱۵- باغ ده هکتاری همت اسفندیاری که در زمین مسروقه از ما احداث شده. زارع این زمین مرحوم ولی بود و همسرش، گلشاه، و پسرش، شکرالله، زنده‌اند. شکرالله دوست دوران کودکی من بود. در سپاه پاسداران شاغل است. وضع مالی خوبی ندارند. وظیفه اخلاقی من کمک به این‌هاست.

در صفحه بعد نقشه قطعات خانه‌های سُرخ‌ان دیده می‌شود. زیبا طراحی شده. ۱۲۲ قطعه ۳۰۰-۴۰۰ مترمربعی است. دارای آب و برق و تلفن است. سُرخ‌ان دیگر لازم نیست مانند قبل در زمان استقرار احشام‌شان در سیاه و دارنگان چادرنشین باشند. در مراتع خود در مجاورت موقوفه بدیجان نیز خانه‌سازی خواهند کرد.





ماجرای تجمع اول آذر ۸۶ عشایر سُرخ‌خی (بند ۳ جوابیه آقای چنانه):

ابتدا روایت سرهنگ عزیزی (فرماندار) را ذکر می‌کنم بعد روایت واقعی را طبق اسناد. این روایت عیناً در بند ۳ جوابیه منسوب به آقای چنانه درج شده است. بنگرید به صفحه ۱۲۳۷ و برگ دوم از تصویر نامه منسوب به شوراهای اسلامی دهستان سیاخ در صفحات بعد.

در صفحات قبل شیوه سلوک و رفتار فرماندار شهرستان شیراز و بخشدار بخش مرکزی شیراز با من روشن شد. این نامه شوراهای نیز دست‌پخت آن‌هاست. نامه منسوب به شوراهای اسلامی دهستان سیاخ باید به مهر دوازده روستا مهمور باشد که تنها دارای مهر هشت روستاست. روستاهای دهستان سیاخ عبارتند از: محمودآباد دارنگان، اسلام‌آباد دارنگان، دارنگان (پشت پر)، حسین‌آباد (آبسرد جدید)، چنارمیشوان، شیب جدول، خارکان، درّه، باب ایور، ایور، قلعه چوبی و کدنچ. از این میان چهار شورا متن سه صفحه‌ای را مهر نکرده‌اند.

دو مهر هم متعلق به طرفین دعوی با من است که از نظر قانونی، به علت وجود شکایت علیه آن‌ها در محاکم، شهادت‌شان مقبول نیست. این افراد فعلاً شوراهای اسلام‌آباد دارنگان و پشت پر دارنگان را به دست دارند. رئیس شورای دارنگان (پشت پر)، بهادر رحیمی، باغبان من است. باغبان باغ کمرک که پدرم در ۲۴ خرداد ۱۳۲۵ به یکصد و نود تومان پول نقد از یهودیان شیراز (ملا خانی کلیمی افراشیم و ملا بمونی یادگار) خرید (سند صفحه ۷۴۷). می‌خواهد باغ را پس ندهد. برادرش، بالغ نصوریان، و برادرزاده‌اش، مهندس بهنام، دوستان صمیمی من‌اند. پدرش، مرحوم ملا بهرام رمقانی، تفنگچی محرم پدرم بود. زمین بزرگ خانه‌شان در پشت پر اهدایی من است. طمع خام است. من همه جور رعایت کرده‌ام.

می‌ماند شش مهر شورا. یعنی، نیمی از شوراهای بی‌طرف دهستان سیاخ و دارنگان نامه سه صفحه‌ای منسوب به آن‌ها را مهر کرده‌اند. رئیس شورای اسلامی قلعه چوبی برادر همان جوانی است که بانی جشنواره قره‌آقاج بود و به بخشدار مرکزی بابت پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی «سین جیم» پس داد. خیلی عذرخواهی کرد. هنوز چک سفید امضای آن‌ها دست مسئولین حقوقی مؤسسه فلاح است به خاطر شورش سال ۱۳۷۵ علیه غصب مراتع‌شان توسط آن مؤسسه. با قرارهای ۲۰۰-۳۰۰ میلیونی از زندان آزاد شدند. می‌ترسند. (بنگرید به همین کتاب، ص ۲۴۶) رئیس شورای درّه Derreh سُرخ‌خی است. نوه مرحوم حاج شگری مرادی است. متأسفانه، با دلالان زمین معاشر است. چه می‌شود کرد.

به متن توجه کنید: سه صفحه تاپی را جدا نوشته‌اند. روی یک صفحه دیگر، مستقل، سفید مهر گرفته‌اند؛ مثل چک سفید امضا. یعنی، مهرداران شوراها حتی نمی‌دانستند مضمون نوشته چیست. می‌توانست علیه هر کسی باشد. می‌توانست درخواست

افزایش سهمیه سوخت روستایی باشد.

در صفحه دو این نامه آمده: «تعداد خانوارهای ایل سُرخ‌ی که محل زندگی آن‌ها قریب یکصد کیلومتر با شهرستان شیراز فاصله دارد، و غالب آن‌ها از نظر تقسیمات کشوری جزء بخش ارژن می‌باشد از ده خانوار تجاوز نمی‌کند. اما متأسفانه همین چند خانوار چنان با قطع اشجار و بوته‌ها و جنگل‌های کوهستان و با آتش‌سوزی عمد و غیرعمد به تخریب منابع طبیعی پرداخته‌اند که هر بیننده دوستدار طبیعت را متأسف و گریان می‌کند.» به بقیه متن پاسخ نمی‌دهم. فقط بر همین یک فقره مکث می‌کنم. این نوشته از آن فردی است مغرض و کینه‌توز علیه سُرخ‌ی. کوهمره سُرخ‌ی منطقه بزرگی است میان سه شهر شیراز و فیروزآباد و کازرون. نوشتم که چگونه در تقسیمات کشوری، در پی قیام سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۲، مثله‌اش کردند. سیاست رسمی حکومت پهلوی بود. عکس کهگیلویه عمل کردند به دلیل وقوع منطقه در بیخ گوش شهر شیراز.

نوع کوچ عشایر سُرخ‌ی «کوچ عمودی» و «درون منطقه‌ای» است. انواع کوچ را در کتاب مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر شرح داده‌ام. به‌طور مختصر در اینجا توضیح می‌دهم: «کوچ افقی» مانند کوچ عشایر قشقایی است. طولانی است. فاصله ییلاق و قشلاق به پانصد کیلومتر می‌رسد. «کوچ عمودی» از نوع کوچ طوایف زاگرس نشین است مثل سُرخ‌ی‌ها و طوایف لرستان و کهگیلویه. «کوچ دورانی» نیز داریم مثل بادیه‌نشینان حاشیه دریاچه هامون جازموریان. مناطق سردسیری و گرمسیری ندارند. برای چرای احشام دور می‌زنند. این نوع کوچ کم است.

در کوهمره سُرخ‌ی، یا همان «رم دیوان» دوره ساسانی، نوع کوچ عمودی و درون منطقه‌ای است. خود منطقه، به دلیل وضع توپولوژیک آن، در فاصله‌ای کوتاه سردسیر و گرمسیر دارد. دشت سیاخ سردسیر سُرخ‌ی است. مناطق مجاور فیروزآباد و بلوک گره در کوهمره سُرخ‌ی گرمسیر آنان است. در این مناطق انار و نخل و مرکبات محصول اصلی است. از نظر آب و هوا مشابه کازرون است. (بنگرید به تصاویر مسقان در صفحات ۴۴۷-۴۴۹)

پس درست است که بعضی مناطق گرمسیری سُرخ‌ی ۶۰-۷۰ کیلومتر با شیراز فاصله دارد. ولی این دلیل «غیربومی» بودن نیست. منطقه یکی است. سُرخ‌یان در هر جای کوهمره مأوا داشته باشند بومیان اصلی کوهمره‌اند. بخش مهم سکنه سیاخ سُرخ‌ی‌اند. بخش مهم مالکین کدنج و ایور و درّه سُرخ‌ی‌اند. دارنگان هم به‌طور عمده ملک سُرخ‌یان است. دو هزار هکتار مراتع مجاور و درون پلاک ثبتی بدیجان (حسین‌آباد) ملک سُرخ‌یان است. در روستاهای چنارمیشوان و حسین‌آباد (آب‌سرد جدید) نیز سُرخ‌یان کم نیستند.

تعداد عشایر سُرخ‌ی هم مشخص است. امضای ۹۰۶ رئیس خانوار را، که در ذیل نامه سرگشاده دوّم درج شده بود، در این کتاب آوردم. (صفحات ۱۰۳۶-۱۰۵۰) باز هم خواهند آمد. دو هزار خانوارند. بسیاری نیز ساکن شیرازند. کوهمره و سُرخ‌ی در

حوزه انتخابیه شیراز حدود سی هزار رأی دارد. اگر متحد و هماهنگ به نامزدی رأی دهند نفر اول شیراز در مجلس می‌شود.

متهم کردن «ایل سُرخ» یعنی همه سُرخیان، به تخریب محیط زیست توهین زشتی است. این نمی‌تواند حرف شوراها یا سیخ باشد. این سخن از فردی نادان یا معاند است. در میان سُرخیان همه گونه انسان هست. عده‌ای معدود برای تأمین زندگی، از شدت فقر، زغال قاچاق می‌کردند. سُرخ‌ها بودند، قشقای بودند، سقلمه‌چی بودند، بککی بودند، از همه طوایف و سکنه کوهمره بودند. ولی این تخریب، در قیاس با تصاویری که دیدید، تخریب وحشتناک مراتع مشجر و حفاظت شده محیط زیست توسط لودرهای مؤسسه فلاح (در فاز سه) و شرکت احرار فارس، در حد صفر است. اصلاً قابل ذکر نیست.

سُرخ‌ها سارق مسلح نیز دارد. ماجرای تیراندازی به سردار ذوالفقاری، فرمانده وقت نیروی انتظامی فارس، کار چند جوان متخلف سُرخ‌ها بود که کشته و اعدام شدند. خانواده این متخلفین، دو شهید تقدیم نهضت امام (ره) کرده است. عموی این کشته‌شدگان شهید نصرالله گرجی است که در قیام پدرم، در ۱۷ اسفند ۱۳۴۱، در جنگ بلقو به شهادت رسید. عموی دیگرش شهید نشمی گرجی است. در زمان انقلاب، زمانی که نه از محمود قوام خبری بود نه از کورش جاویدی رئیس دفتر و همه‌کاره او، نه از شهرام فتحی‌نژاد وکیل او، نه از شیرمردی مدیرکل فعلی اوقاف فارس، نه از شرکت احرار فارس، و نه از دیگر «موقوفه‌خواران»، گروهی برای غارت تأسیسات و اموال موقوفه بدیجان (حسین‌آباد) مسلحانه حمله کردند. سُرخیان مسلحانه به دفاع از موقوفه برخاستند و نشمی به شهادت رسید. همه این را می‌دانند. کارگران قدیمی بدیجان هنوز هستند. اوقاف یا موقوفه منسوب به نصیرالملک، در مقابل این اینار، چه کمکی به خانواده شهید نشمی کرد؟

این خانواده ذاتاً جنگجو هستند و در این زمینه شهرت دارند. نوعی توارث ژنتیکی است. خانواده گرجی از طایفه جبارزار است. آن‌قدر مستضعف‌اند که حتی شناسنامه برادران‌شان را ندارند و برای آن‌ها پرونده در بنیاد شهید تشکیل نداده‌اند. مثل کسانی نیستند که در صد جانبازی یا سنوات جبهه خود را افزایش می‌دهند.

مقصر خلافت‌کاری و اعدام نسل جدید این خانواده کیست؟ مقصر کسانی هستند که به جای تلاش برای رفاه این مردم و اعتلای فرهنگ آنان، صدها میلیارد تومان به جیب امثال مسعودی و اقبالی و رستمی می‌ریزند. مگر هم‌اکنون شبکه کوچکی از فاسدترین و بدسابقه‌ترین افراد منطقه، که عموماً به مواد مخدر اعتیاد دارند، کارگزار و دلال و پیمانکار مؤسسه فلاح و شرکت‌های احرار و فارس مبین نشده‌اند؟ مگر این مؤسسه و شرکت‌ها به نهادهای «مقدس» منتسب نیستند؟ این عملکرد شیطانی است، اسلامی نیست. عمدی است، سهوی نیست. در این زمینه

به یقین رسیده‌ام.

به نمره تلاش من در کوهمره بنگرید. به خدماتی که کردم و هیچگاه نگفتم تا امروز که در «یوم الحرب» مجبور به گفتن شدم. تمامی کسانی که با من کار کردند، تمامی زارعینی که در پروژه من مشارکت کردند، اکنون مرفه‌اند. در همین دو سه ساله به این رفاه رسیده‌اند. چرا باید خانواده گرچی به چنین فقری برسد که فرزندانش به تخلف و سرقت مسلحانه روی آورند؟

در کوهمره سُرخ‌خو معدود خلافکاران از همه نوع هستند. به وجود ده بیست یا حداکثر پنجاه خانوار زغال‌ساز و جنگل‌سوز بسنده نکردم. بالاترین تخلف‌ها و جرایم را گفتم. نامدارترین سارقین مسلح شیراز را ذکر کردم. ولی مگر این قابل تعمیم به همه مردم سُرخ‌خو و کوهمره است؟ مگر می‌توان به اعتبار این که سرهنگ ابراهیم عزیزی، گویا، اهل سعادت‌آباد کمین است و این ملک متعلق به محمدقلی خان قوامی، فراماسون سرشناس، بوده؛ آقای عزیزی را عامل قوامی‌ها یا فراماسون خواند؟ یا مگر می‌توان به اعتبار این که فلان آقا اهل اقلید است و در روستاهای اطراف اقلید، مثل قشلاق، بهائی فراوان بوده؛ او یا همه سکنه روستای قشلاق را به بهائی بودن متهم کرد؟ این شیوه برخورد غیراخلاقی و غیرشرعی و گاه قابل پیگرد کیفری است. خیلی بالاتر از این را می‌گوییم. حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان اهل روستای صُغاد آباده است. روستایی است بهائی‌نشین و در این زمینه معروف. ولی، تنها به صرف تعلق به این روستا مگر می‌توان اهانتی بزرگ کرد و شخصیتی چون آقای حسینیان را، که سال‌ها حاکم شرع وزارت اطلاعات بوده و هم اکنون مشاور امنیتی رئیس‌جمهور و رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی است و به زودی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس خواهد شد، خدای ناکرده به بهائی‌گری متهم نمود؟ آن هم شخصیتی که در دوران فعالیت پژوهشی خود یکی از معروف‌ترین کتاب‌ها را علیه بهائی‌گری، نوشته دکتر سعید زاهد زاهدانی، منتشر کرده و اولین مقاله شماره ۱۷ فصلنامه مطالعات تاریخی (تابستان ۱۳۸۶)، ویژه بهائیت، از اوست.

نویسندگان نامه قطعاً باید اخلاق عرفی و اسلامی و قیود شرعی را رعایت می‌کردند و اهانت‌هایی که می‌تواند بلوا برانگیزاند، و شاید نیست نویسنده این بوده، به بخش قابل توجهی از مردم منطقه وارد نمی‌کردند. در روزنامه ایران با مردم آذری زبان یک شوخی ساده شد، کار به بلوای گسترده کشید. این گونه اهانت‌ها، که عزیزی و غلامی در نامه منسوب به شوراهای سیاخ به سرخیان وارد کرده و آن‌ها را «تخریب‌گر محیط زیست» خوانده‌اند، می‌تواند چالش‌هایی مشابه بیافریند. در این صورت مقصر کیست؟



سلیمان گرجی، شوربخت‌ترین سُرخ‌ی

در چهره‌اش رنجی ژرف حک شده. این خانواده «ژن» جنگاوری دارد. در جریان قتل مهندس ملک عابدی او و برادرش، مرحوم صدرالله گرجی، را بی‌گناه دستگیر کردند و پس از شکنجه‌های وحشتناک آزادشان کردند. (همین کتاب، ص ۷۹۵) سلیمان را از همان زمان به یاد دارم. پدرم، زیر فشار تیمسار اشکان، فرمانده ناحیه ژاندارمری، به ناچار سلیمان و صدرالله را دستگیر کرد و تحویل داد و خبر دستگیری آن‌ها تیر بزنگ روزنامه‌های ۵ آذر ۱۳۴۱ شد. زمانی که پدرم آن‌ها را به شیراز آورد و شب در اتاقی ماندند، هنوز به یادم است. در قیام عشایر کوهمره، برادرش، نصرالله، در جنگ بلقو (۱۷ اسفند ۱۳۴۱) به شهادت رسید. در بهمن ۱۳۵۷، در ماجرای دفاع مسلحانه عشایر سُرخ‌ی برای جلوگیری از تاراج تأسیسات و اموال موقوفه بدیجان (حسین آباد) برادر دیگرش، نشمی، به شهادت رسید. پسران جوانش از شدت فقر به تبه‌کاری کشیده شدند. دو پسرش، ضرغام و فریدون گرجی، در ماجرای تیراندازی و مضروب شدن سردار ذوالفقاری یکی کشته شد و دیگری به دار آویخته شد. شوربخت‌تر از سلیمان کسی را ندیده‌ام.

نامه شوراهاى اسلامى روستاهای دهستان سیاخ به :

مقام معظم رهبری

رئیس جمهور محترم انقلاب اسلامی ایران

رئیس محترم قوه قضائیه

رئیس محترم دادگستری فارس

جناب عدالتخواه دانشجویی

در انتقاد به نامه منتشر شده منسوب به عشایر سرخی فارس

حافظ منابع ملی ، متولی موقوفات ، مورخ ؟؟؟ ، مافیای زمین خوار؟؟؟

از چندى بش شاهد درج و انتشار مطالبى در برخى جراید ملی کشور و بعضاً سایتهاى مختلف خبری از سوى فردى بنام عبدالله شهبازی ، متشعب به نامه عشایر فارس در خصوص لزوم مقابله فوری با مافیای زمین خوار هستیم از آنجا که در بیانیه مذکور شبهه ها و اظهاراتی کذب و بعضاً متناقض با واقعیت مشهود است ، بر خود فرض میدانیم به عنوان خوانندگان منصف بیانیه مذکور که در متن موضوعات مطروحه زندگی می کنیم نکاتی را به استحضار حق گرایان با انصاف و خصوصاً دانشجویان عدالتخواه برسانیم.

الف: در خصوص عنوان بیانیه "نامه عشایر سرخی فارس" پر واضح است که نگارنده نامه فردی عالم و مورخ می باشد که برداشتها و محصل تحقیقاتی خود را منسوب به کل عشایر فارس نموده و سپس با جمع آوری تعدادی امضاء از اهالی روستاهای مختلف که اغلب آنها فرستگرا ، محل دعوا و تجمع فاصله دارند آن را منتشر ساخته است.

ب: طایفه سرخی اعم از بگی، ناصر و شکره، جبین، چارزار و دهدار در زمانهای قدیم عمدتاً دامدار و عشایر کوچ رو بوده اند و در کوهپایه های دلو و نقاط مرتفع جبال دارنگون سلاق و قشلاق می کرده اند اما نکته قابل توجه آنکه تعداد خانوار طوایف مذکور که کوچ رو بوده اند در گذشته هیچگاه به در هزار خانواده نرسیده و اکنون هم تعداد خانوارهای عشایر کوچ نشین این طوایف که در کوه دلو اقامت قشلاقی دارند به ندرت به عدد انگشتان دست بالغ می شود بنابراین قند در هزار خانوار دامدار در کوه دلو خلاف واقع است حتی مجموع تعداد خانوارهای دامدار در کل روستاهای که این طوایف زندگی میکنند به سختی به هزار خانوار میرسد.

ج: تفاوت در زمینه سیر تاریخی موقوفات و اراضی مذکور را به اهل فن و مورخان منصف واگذار میکنیم . البته قدر دان زحمات آقای عبدالله شهبازی به عنوان یک مورخ برجسته که انصافاً در کشف حقایق تاریخی بد طولانی داشته و دارند هستیم و او را به جهت ذکاوت و علم ایشان تحسین گفته و می ستایم لیکن در زمینه مسائل مطرح شده در بیانیه به نظر مبررسه ایشان از معضلات قومی و منافع شخصی و اغراض سیاسی می ناسر نبوده است .

د: در آغاز بیانیه با این جمله "منابع خراب، مزارع و محیط زیست توسط مافیای زمین خوار سوزیم" برای حیانت و نجات منابع ملی استدلال شده است . قطعاً شعار پس ریجایی است . اما ای کاش نویسنده فهرستی از برخی مافیای زمین خوار را نیز معرفی می کرد تا هم کار محاکم قضایی و جرایم برای مبارزه با زمین خواران تسهیل شود و هم میزان انصاف و حق گیری صاحبان بیانیه منجیده شود. ما هم ضمن اعلام حمایت مجدد و کامل از این قسمت بیانیه به عنوان کسانی که در متن موضوع زندگی می کنیم و واقعیت را سالیهاست به چشم ناظریم تفسیر و انزجار خود را از مافیای زمین خوار در هر شکل و لباسی که باشد ابراز می کنیم . اما معتقدیم:

- اگر تاسیس و اجرای پروژه های باغ شهری در مراعی و منابع ملی زمین خواری است پس آقای ... یکی از زمین خواران بزرگ است چه او خود بنای شوم تخریب منابع ملی به قصد احداث باغ شهری را بنیان نهاده

- اگر بونه گنی و تخریب مراعی مشجر به قصد کاشت درخت جرمی بزرگ است پس آقای ... مجرمی بزرگ است.

- اگر قطعه بندی اراضی ملی و مراعی خشک به قطعه های ۱۰۰۰ و ۱۵۰۰ متری و فروش آنها به بهای زیاد تروت اندوزی و چپاول سرمایه ملی و اغفال مردم است پس آقای ... تروت اندوز و چپاولگر و اغفالگر است.

و ما با متصرفین محلی نیز که اراضی ملی را و تو با مجوز اداره امور اراضی به قصد ایجاد باغ شهر تخریب کرده اند شدیداً مخالفیم و اقدام آنها را محکوم می کنیم ، و معتقدیم مرتع باید همواره مراعی بماند و منابع طبیعی برای همیشه محفوظ بماند و در صورت لزوم به مستحق واگذار شود . و اگر اجتماع کنندگان چنین نیتی را دنبال می کردند ، ما نیز با آنها فضا می شدیم .

در یکی از بندهای بنامه آمده است که بهترین و مرغوبترین مراعی استان فارس گوئیانه های دژ در ۳۰ الی ۴۰ کیلومتری شیراز می باشد که محل بقای ایل سرخی است و آنها ضمن تحلیف دهامی خرد مسئولیت صیانت از مراعی و اشجار را نیز عهده دار می باشند ما با اینکه پیشتر جملا ت مذکور را تایید می کنیم اما قسمت اخیر مطالب را خلاف واقع میدانیم همانطور که قبلاً ذکر شد تعداد خانوارهای ایل سرخی که محل زندگی آنها قریب هشتاد کیلومتر به شهرستان شیراز فاصله دارد ، و غالب آنها از نظر تقسیمات کشوری جزء بخش ارژن می باشد از ده خانوار تجاوز نمی کند اما متأسفانه همین چند خانوار چنان با قطع اشجار و بونه ها و جنگلهای کوهستان و با آتشسوزی عمد و غیر عمد به تخریب منابع طبیعی پرداخته اند . که هر بستنده دوستدار طبیعت را متأسف و گریان می کند این تنها یک ادعای صرف نیست ما آمادگی کامل داریم طاقان متصف را به جای جای کوهستان رانندگی کنیم ، از نزدیک شاهد این اقدامات ناجرانسوده و غیر انسانی باشیم تا شاید مسئولین منابع طبیعی که همیشه ادعای حفاظت از محیط زیست و طبیعی را دارند به خود آیند و بپذیرند که کوهستان هم منابع ملی است و در حوزه مسئولیت ایشان قرار دارد

و در متن بنامه از تجمع اعتراضی آموز سردها نیز از عناصر سرخی فارس در محل تخریب مراعی به قصد محکومیت مافیای زمین خوار سخن گفته شده است این برای جامعه ما خصوصاً اصحاب چراند و صاحبان سیاستهای خبری که بدون تحقیق به یک خبر کذب ترتیب اثر داده و آن را در کل مهن اسلامی به عنوان "استفاده مردم فارس برای برخورد با مافیای زمین خوار" منتشر کردند مانع تأسف است اینکه تجمع چند نفر سرخی بعضی منابع که غالب آنها نیتی جز درگیری و آشوب و اختلاف نداشته اند را اجتماع و قریب مردم فارس للمداو کرده است تمهیس حساب و نارو و در نتیجه مغالطه ای قاضی است . در توضیح این مطلب احدیلاً لازم به تذکر است که خلع شرفی روستای اسلام آباد جنب ساخطان آب معدنی و شمال جاده آسفالت آقای عبدالله شهبازی اقدام به تخریب منابع ملی و بونه گنی به کنگ دستگاهای میکانیکی به منظور احداث شهرک سرخی نقش بسته است اما به عواقب و تبعات اجتماعی و عدم تعادل فرهنگی و ... کاری نداریم ، و آنچه که عمل ایشان با اعتراض شده اهالی و روستاهای منطقه و دستگاهات مکرر به نهادهای مسئول حصر مکانیکه با دفتر مقام معظم رهبری مواجه شده نامبرده اقدام خود را شایسته اقدام داد تا اینکه سرانجام با دخالت مسئولین بخشدار محترم بخش مرکزی شیراز حوالفاً طرح مذکور متوقف شد . اما اراضی مذکور در همان زمانیا سال ۱۳۴۳ پیش فروش شده بود و خریداران که عمدتاً از اهالی روستاهای سرخی نشین هستند هر روز منتظر افتتاح پروژه و اخذ مجوز ساخت و ساز در اراضی مذکور بودند تا اینکه بالاخره در روز پنجشنبه اول آذر ۸۶ به خریداران قطعه های مذکور فراخوان تجمع جهت افتتاح داده می شود . اما پس از حضور بیشتر خریداران که در میان آنها آسائهای شرعی نیز بوده اند از اجتماع آنها سوء استفاده می شود و از آنجا که در آن جمع عده ای آشوب طلب و کاملاً مسلح بوده است جمعیت به طرف اراضی ملی بالادست که توسط فردی دیگر برای احداث باغ شهری تخریب شده است حرکت می کنند و اقدام به خرابکاری و درخت گنی و آتش زدن چادر و ضرب و شتم و تهدید می نمایند سپس همین حرکت به نام تجمع گسترده ایل سرخی برای صیانت از تخریب منابع ملی به عنوان خبر دست اول و نشر اصلی روزنامه ها منتشره . در اینجا ما واقعاً از

پس از این ...
 از ...
 در ...
 در ...

کلیه پس اراضی منابع ملی تخریب شده است ...
 ...
 ...

طین طهرتو کد جنت

روزنامه های مسامت روز که در شماره سه شنبه سیزدهم آذر ماه نثر بزرگ خرد را به این خیر کذب اختصاص داده و روزنامه گیهان و جنبش عدالتخواه دانشجویی که در وبلاگ اختصاصی خرد اقدام به نشر بیانیه و در مقام دفاع از آن بر آمده است ، انتقاد میکنیم و اعلام میکنیم درج این گونه اخبار بی اساس چیزی جز بی اعتباری نشریه مذکور در پی نخواهد داشت علاوه بر این از مدیر مسئول آن روزنامه ها و نشریه ها می خواهیم ضمن تحقیق کامل پیرامون صحت این مطالب و سپس چاپ آن در یکی از شماره های آتی خود افکار مشوش طالبان حقیقت را روشن نمایند .

گفته اند «مناخ تخریب منابع طبیعی به دست مافیای زمین خوار شیوم را» می شناسیم و به عنوان همانان و دوستداران منابع طبیعی از تمامی نهادهای مسئول می خواهیم که هر چه سریعتر به داه منابع طبیعی و سرمایه های زمین برسند . با صراحت و شجاعت اعلام می کنیم که احداث پروژه های باغ شهری تحت هر عنوان اقم از طرح فلاحهت در فرادخت، تراس زمین شرکت احراز شده، بهار و زاگرس سیزه که مؤسس آن آقای ... مدعی صیانت از منابع طبیعی است ، در منطقه سیاح دارنگون اجرا شده همگی مخرب منابع طبیعی است که همه آنها با افعال نفوذ در نهادهای و ادارات مختلف اقدام به کسب مجوز نموده اند و تمامی آنها را محکوم می کنیم و مسئولیت اصلی و جرم واقعی را مترجه مسئولین بی کفایت میدانیم که در آغاز با این پروژه هما موافقت نمودند اما در این میان احداث پروژه زاگرس سیزه همچنان قطعه بندی اراضی ملی جهت تاسیس شهرک مسکونی که بدون مجوز قانونی و بی توجه به احتیاط و هشدار مسئولین مربوط صورت گرفته است بیش از همه گناه و تقصیر مسئولین مرتبط را اثبات می نماید

ز آقای عدالله شهبازی خرد یکی از مجربان طرح های باغ شهر در اراضی منابع ملی در قسمت غربی روستای اسلام آباد و قسمت شمالی کره دلو بند مجموعه زاگرس سیز می باشد. ایشان با خوارفرس برخی از اراضی منابع ملی که در تصرف زارعان محلی بوده است را به قیمت ناچیز خریده است البته ایشان ادعای مالکیت تمامی اراضی ملی را به عنوان میراث حسب اله شهبازی مطرح نموده است. اراضی مذکور چون فاقد آبهای سطحی و زیر سطحی است برای شرب درختان از آب کشاورزی روستای اسلام آباد و دارنگون استفاده میکند که موجب اعتراض شدید کشاورزان منطقه و به تبع آن درگیری و تنشها شده است. آیا ادعای مبارزه با مافیای زمین خوار و مسانعت از تخریب طبیعت از شخصی که خرد از بزرگترین مخربان طبیعت است دروغی بزرگ نیست و آیا هدف دیگر از مطرح کردن این ادعاهای کذب نداره؟! کوفتد سخن اینکه وقت آن رسیده که محاکمه قضایی و نهادهای مسئول اجراس هست و خرد را برای ختم چنین پروژه های بکار بندند و زمین خوردان واقعی ، آنان که حقوق ملت بزرگ را ضایع ساخته اند و با نفوذ خود در ادارات ، توانسته اند مجوز تاسیس باغ شهری در اراضی ملی را کسب کنند را شناسایی نمایند

در پایان آمده کی خود را جهت اثبات اظهارات فوق اعلام می کنیم و از مسئولین متعهد در هر رده ای دعوت می کنیم ضمن بازبینی مستقیم از محل حقیقت را به چشم مشاهده نمایند .

(والسلام علی من اتبع الهدی)

۱- اگر اراضی منابع ملی است چرا در دست زارعین بوده
۲- چه زمین زارعان را به کسب مجوز از دست زارعین با
۳- آیه استقامت بدار و در این زمین هر که زنی آید
با کسب زمین را به دست زارعین بدار
تبع و اداره سازمان در این زمین

باسمه تعالی

از شورای اسلامی محمود آباد دارنگان


۱۸ اردیبهشت ۸۴

به خدمت سرور محترم جناب آقای شهبازی
سلام و تحیات

بدینوسیله به اطلاع حضرت عالی می‌رسانم که مردم (مبارک) محمود آباد
با توجه به اینکه سفت خرابی در اختیار جان که از اسلام آباد شروع می‌شود
به مالکیت همان علیایی که تاکنون ما موفق به برطرف نمودن رخنه
آن شده ایم چون از نظر قیمت حدود یک میلیون تومان قیمت گذاری
ممنوع بود مردم را با هم به علت فقر و نیاز به پرداخت آن به اندازند و گشتن
ما حد راه روستا هم از ما خواسته اند که همان برلاشته شود
از آن بزرواران خواهش می‌کنیم در حضور فوق عنایت لازم را مبذول فرمایند

قبلاً از همکاران صمیمانه کمال تشکر و قدر دانی

سید محمد اسحاق شهبازی



محل پروژه من در محدوده شورای اسلامی محمود آباد است. به شوراهای دارنگان، که فعلاً در دست دشمنان من است، ارتباط ندارد. دو نامه تشکر شورای محمود آباد از من. برای آسفالت جاده کمک کردم. برای احداث منبع آب آشامیدنی زمین دادم. و خدمات دیگر. هیچ منتی ندارم. هیچگاه نخواستم تابلوی نامم در جلوی ساختمان پاسگاه نیروی انتظامی دارنگان یا زمین فوتبال دارنگان یا ساختمان مخابرات و مسجد دارنگان یا ۱۹ هکتار زمین اهدایی برای احداث روستای اسلام آباد دارنگان یا تأمین آب آشامیدنی دو روستای پشت پر و اسلام آباد دارنگان درج شود. از این ریاکاری‌ها متنفرم.

«مادح النفس یوم الحرب معذور»

باسمه تعالی

به مدیریت محترم شرکت زاگرس سبز

باسلام و رعای محترم

احتراماً به استحضار میرسد تشریحی در خصوص زمینها و موقوفات موجود در منطقه سبز
 غیر مستقیم به ما و استقبال از پروژه زاگرس سبز در محدوده موقوفات و اعلام کنان همکاران
 با آن مدیریت اکنون جهت احداث زمین ورزش در محدوده موقوفات نیاز به چند
 کمیته‌ری فلوها دارند که با توجه به اینکه چهارم زنده قول سعادت و همکاران در این زمینه
 جهت استفاده از گمرک و روغنک را داده اند خواهشمند است در صورت امکان
 جهت استفاده از کمیته‌ری و لدر شرکت جهت فلوها دستورات لازم را مبنی بر فرستادن

فیلد از همکاران صیغانه همکاران نشکر و قدر دان

مستور

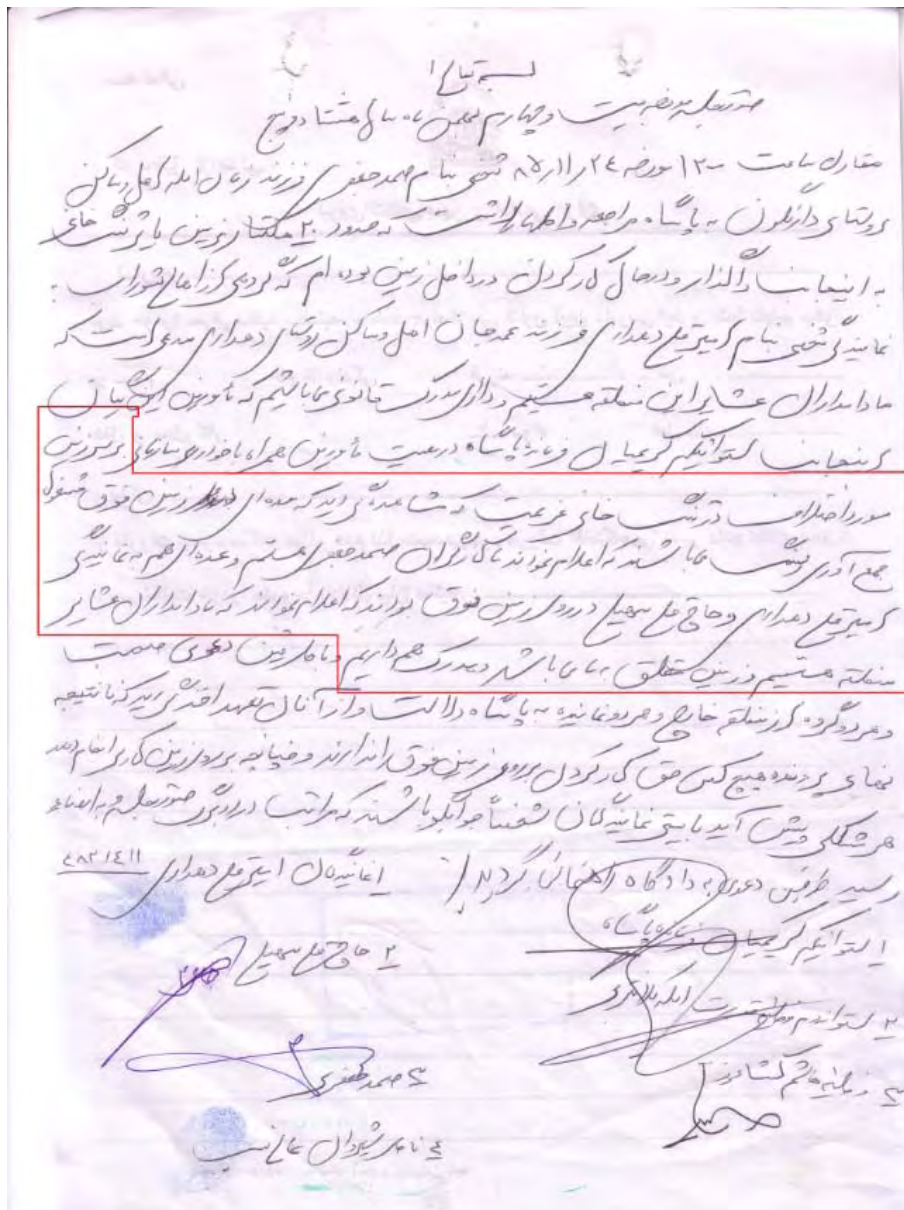

۷۰۰
 زمینها و موقوفات
 غیر مستقیم به ما
 و استقبال از پروژه
 زاگرس سبز
 در محدوده موقوفات
 اعلام کنان همکاران
 با آن مدیریت
 اکنون جهت
 احداث زمین
 ورزش در محدوده
 موقوفات نیاز
 به چند کمیته‌ری
 فلوها دارند که
 با توجه به اینکه
 چهارم زنده
 قول سعادت و
 همکاران در این
 زمینه جهت
 استفاده از
 گمرک و روغنک
 را داده اند
 خواهشمند است
 در صورت
 امکان جهت
 استفاده از
 کمیته‌ری و
 لدر شرکت
 جهت فلوها
 دستورات
 لازم را مبنی
 بر فرستادن

پاسخ به بند ۳ جوابیه آقای چنانه:

ماجرای اجتماع اول آذر ۸۶ سُرخیان از اینجا آغاز شد: ۲۴ بهمن ۱۳۸۵. لطفاً توجه کنید آقای چنانه! این روایت بسیار متفاوت است با روایت نامه منسوب به شوراهاى سیاخ که در بند ۳ نامه شما تکرار شده. در زمانی که در پلاک ۷۲ (دارنگان) ماده ۱۳ اجرا نشده بود، این پلاک دارای معارض بود (پرونده شماره ۱۹/۲۳ - ۳۳/۸۰ در شعبه ۳۳ سابق علیه اداره منابع طبیعی شیراز)، اداره منابع طبیعی شیراز بیست هکتار از اراضی دارنگان، مجاور اراضی موقوفه بدیجان، را که بخش عمده آن مرتع سُرخى ها و دارای پوشش گیاهی و بخشی دیمکارهای پراکنده متعلق به خرده مالکین سنددار و معترض بود در محل عبور عشایر سُرخى به ارتفاعات دلو (ایل راه) و مجاور چشمه متعلق به دارنگان و محل شرب احشام سُرخى ها به گروه مشاع ۵ نفره، به نمایندگی صمد جعفری پسر همان زمان الله و نوه همان حاجی خان که شرح دادم، واگذار کرد. این واگذاری صوری بود و در واقع گروه مشاع فوق کارگزاران شرکت احرار فارس، به سرپرستی منصور سلطانفر، بودند. شیوه شرکت احرار این است. به نام دیگران از منابع طبیعی یا اوقاف واگذاری می گیرد و خود در چارچوب قرارداد با آن ها مراتع را تخریب و به باغ شهر تبدیل می کند. همه جا هم می گویند سهام آن متعلق به «آزادگان جنگ تحمیلی» است. مثل این که سُرخى ها «آزاده» ندارند. عشایر سُرخى مانع تخریب مراتع و یورد خود شدند. جعفری و سُرخى ها متقابلاً علیه هم شکایت کردند.

پاسگاه نیروی انتظامی به دادسرای شیراز چنین گزارش می دهد: «مقارن ساعت ۱۲۰۰ مورخ ۲۴/۱۱/۸۵ شخصی به نام صمد جعفری فرزند زمان الله، اهل و ساکن روستای دارنگون [ساکن روستای دارنگون نیست. در یک شرکت در جاده بوشهر کار می کرد و ساکن شیراز بود. شهبازی] به پاسگاه مراجعه و اظهار داشت که حدود بیست هکتار زمین پای تنگ خانی به اینجانب واگذار و در حال کار کردن در داخل زمین بوده ام که گروهی از اهالی شوراب [یعنی طایفه دهدار سُرخى که قشلاق شان دشت شوراب در جنوب کوه دلو است] به نمایندگی شخصی به نام امیرقلی دهداری فرزند محمدجان اهل و ساکن روستای دهداری مدعی است که دامداران عشایر این منطقه هستیم و دارای مدرک قانونی می باشیم که مأمورین این یگان... بر سر زمین مورد اختلاف در تنگ خانی عزیمت که مشاهده گردید که عده ای در زمین فوق مشغول جمع آوری سنگ می باشند که اعلام نمودند ما کارگران صمد جعفری هستیم و عده ای هم به نمایندگی امیرقلی دهداری و حاج قلی سهیلی در روی زمین فوق بودند که اعلام نمودند که ما دامداران عشایر منطقه هستیم و زمین متعلق به ما می باشد و مدرک هم داریم...»

پس، ماجرا با درگیری فردی به نام صمد جعفری، واسطه شرکت احرار فارس، با دامداران سُرخى آغاز می شود. مشهدی امیرقلی دهداری ریش سفید و بزرگ طایفه دهدار، است و حاج قلی سهیلی ریش سفید و بزرگ طایفه ناصرو. سهیلی امروزه معتبرترین و محترمترین ریش سفید در سراسر کوهمره است و بسیاری از پرونده های قتل به وساطت او حل و فصل می شود. تصویر مراتع مورد تنازع در دهانه تنگ خانی در صفحه ۵۴ مندرج است.



صور تجلسه پاسگاه نیروی انتظامی

آغاز درگیری عشایر سُرخ و عوامل شرکت احرار فارس بر سر مراتع کوهپایه شمالی کوه دلو در پلاک‌های دارنگان (۷۲) و موقوفه بدیجان (پلاک ۷۳)



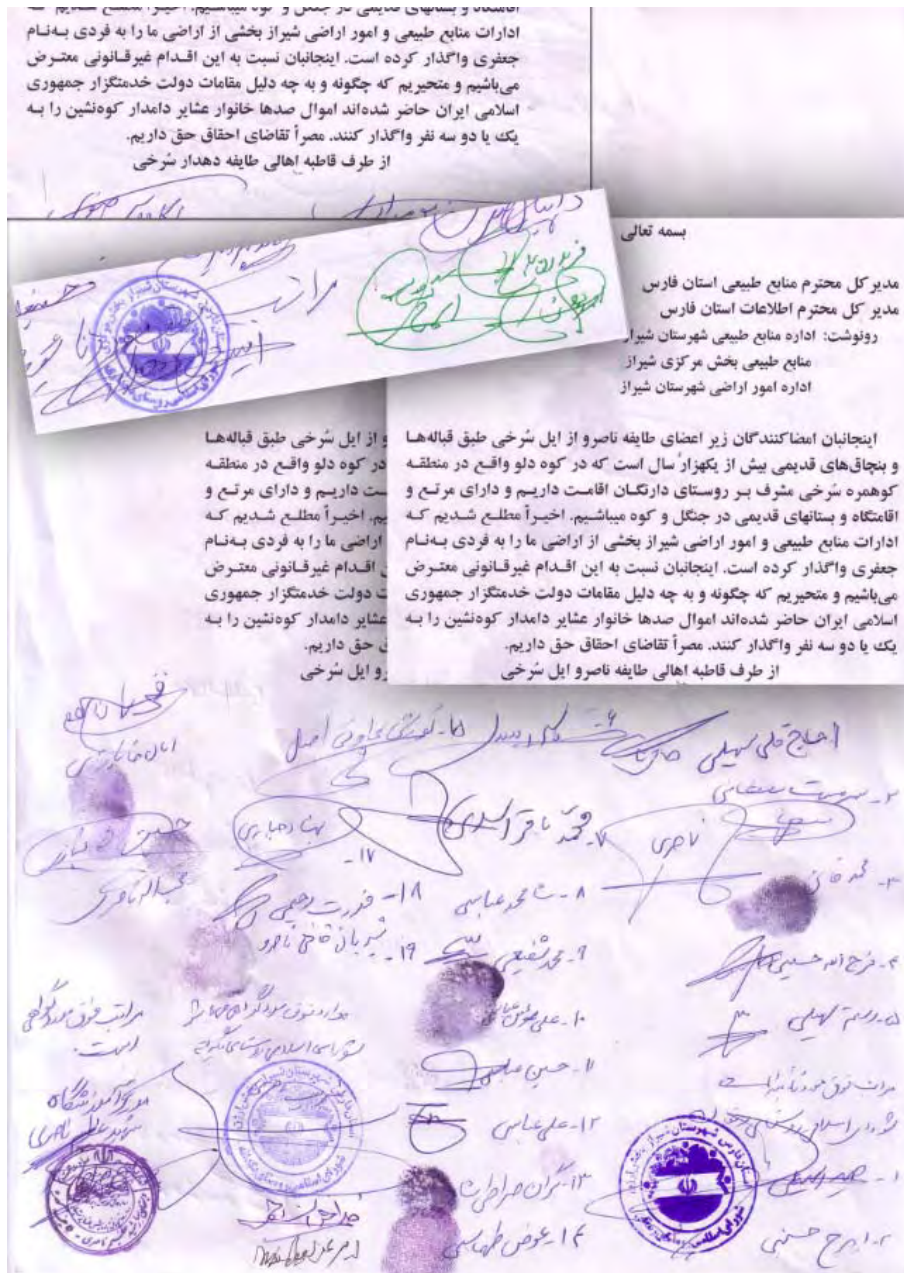
من و برادرم شهباز در خانه ملا حاج قلی سهیلی ریش سفید طایفه ناصر و سُرخ
و محترم‌ترین ریش سفید کنونی در سراسر کوهمره و سیاخ که بسیاری از قتل‌ها به دست او
حل و فصل می‌شود. افرادی که در عکس دیده می‌شوند پسران ملا حاج قلی هستند.
ملا حاج قلی بیماری آسم دارد. صمد جعفری بارها او را به دادگاه کشانید
و شعبه ۵ آگاهی (ویژه رسیدگی به پرونده‌های قتل) او را نیز احضار کرد.



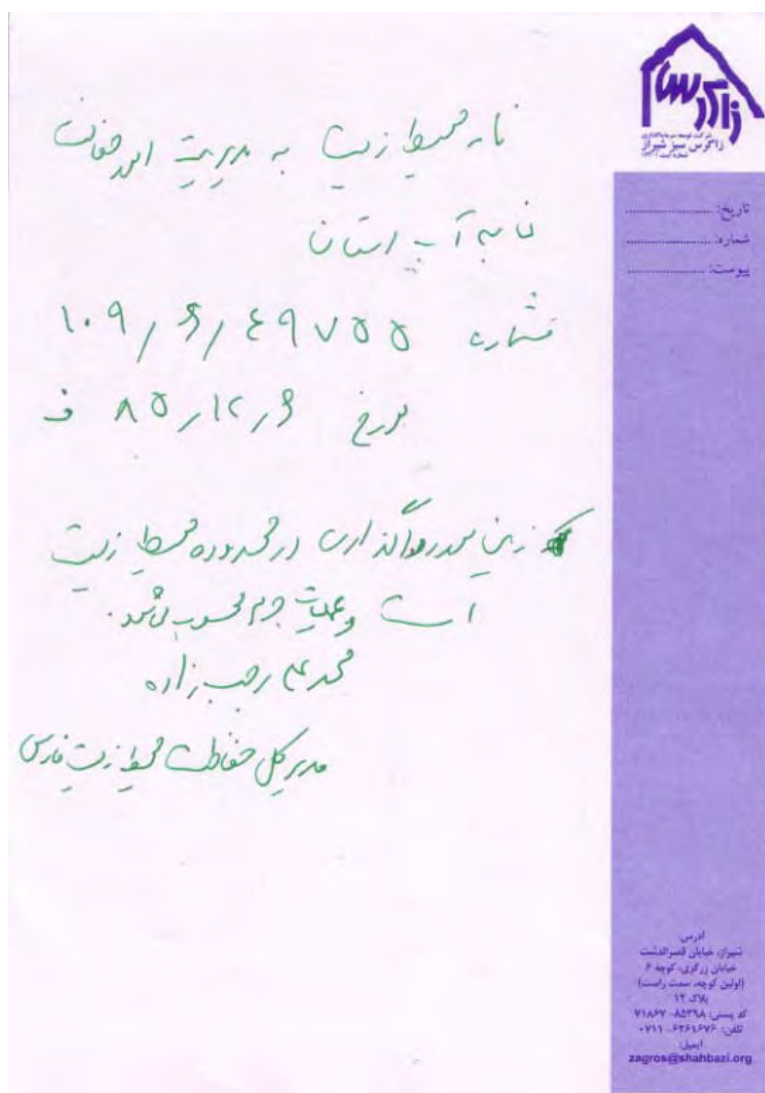
مشهدی امیرقلی دهداری، جنگلبان بازنشسته منابع طبیعی شیراز
 ریش سفید و بزرگ طایفه دهدار سُرخِی
 صمد جعفری بارها او را به دادگاه کشانید و شعبه ۵ آگاهی (ویژه رسیدگی به پرونده‌های قتل)
 او را نیز احضار کرد.



تعدادی از ریش سفیدان و دامداران کوه دلو در دفتر من چه باید کرد؟ یک سال به پیگیری از طریق قانون و ادارات ذیربط و پرهیز از درگیری محلی توصیه‌شان کردم. اگر نبودم، نه صمد جعفری جرئت کار کردن داشت نه شرکت احرار فارس می‌توانست بی‌پروا تخریب کند. کار به نزاع خونین و درگیری مسلحانه می‌کشید. تلفات داشت. ولی شرکت احرار فارس بساطش را جمع می‌کرد و می‌رفت. پانصد هکتار مرتع درجه اول مشجر در این یک سال به سرعت نابود نمی‌شد. مرتب گفتم: قانون! با این توصیه به سرخیان ظلم نکردم؟



شکایت نمایندگان طوایف دامدار سُرخسی به مدیران کل منابع طبیعی و اطلاعات فارس



۶ اسفند ۱۳۸۵

مدیر کل حفاظت محیط زیست فارس به حفاظت منابع آب فارس می نویسد که زمین واگذار شده به گروه مشاع صمد جعفری (کارگزاران شرکت احرار فارس) در محدوده حفاظت شده محیط زیست است.

ولی هیچ کار دیگری نمی کند.

اصل نامه فوق را نداشتم. یادداشت بالا به خط من است.



۱۲ اسفند ۱۳۸۵

اداره منابع طبیعی شیراز در نامه شماره ۱۹۲۶۴ مورخ ۹ اسفند ۱۳۸۵ به دادسرا اعلام می کند:
مرتفع مال ماست و به هر کس خواستیم واگذار می کنیم. دامداران سُرخ هیچ حقی ندارند.
این فضولی ها به آن ها نیامده. امر امر همایونی است. همه باید اطاعت کنند!

بیت‌های سال ۱۳۳۱

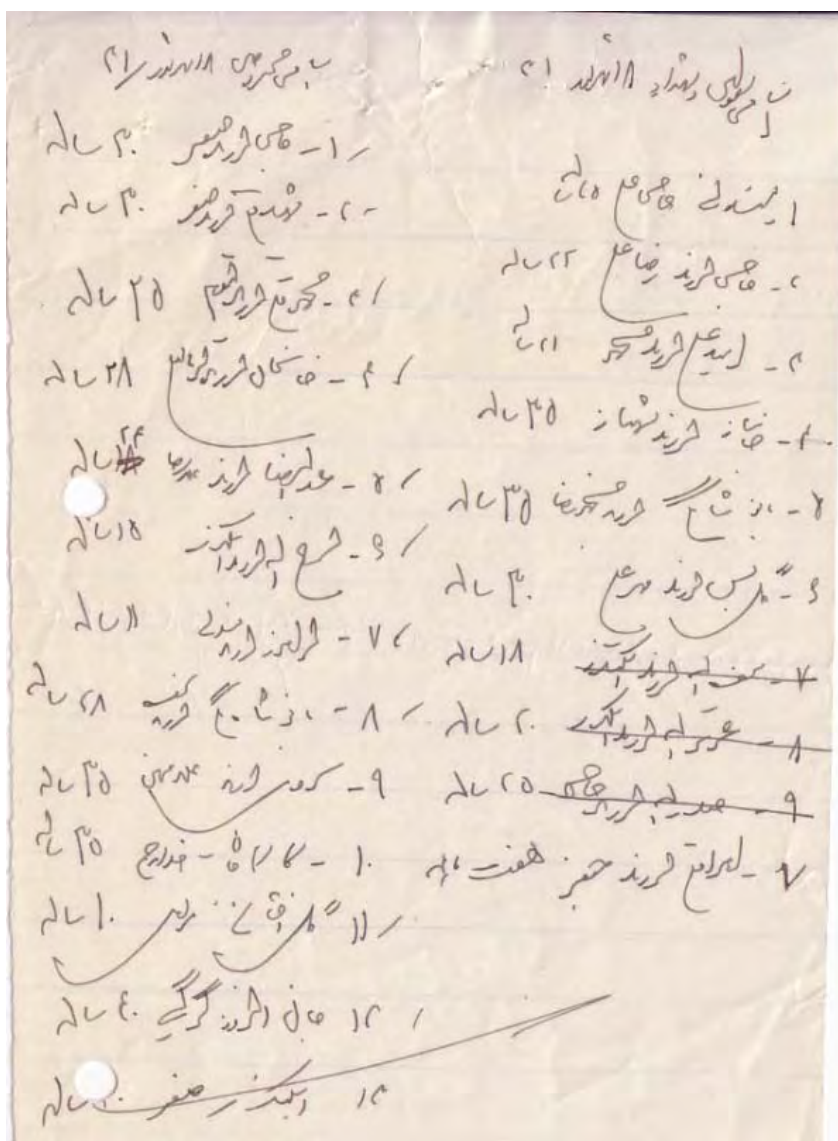
طالب استغلام در استغلام و نقدین و کلاهی می‌نمایم که طایفه‌ی دهم و ناصر و منصور و منصوره دامادان
 طایفه مذکور که عن العرب ۱۱ خانوار از دروازه مذکور می‌باشند از معتمدین در ریش سفیدان
 و ارضای امورهای اسلامی قریب منطقه شورا نظیر بنای دامادان این طایفه از زمین
 پیر آبا اجدادی ماکدوله دلو و صفا آسب مشاه و کوره موئیس و کوره دلو و کوره
 و تنگ خانی مخصوصاً دامنه که دلو که جا در روستای بارنگون می‌باشد جزء دایره زمین
 پیش بطور مستقیم از طرف دایره زمین منافع مورد تعلیف و جبران داده می‌دهند
 و در دست داشتن مستقیم کار می‌کنند املاک مذکور را نسبت به ما و احرام خود تعلیف
 می‌نماییم که گواه آن روزها منبر کار ما طایفه‌ها مذکور می‌باشد از این بار بجمه در سال
 ۱۳۳۱ هجری شمسی در ماه عدس از زمین دامادان ذکر کرده می‌باشد مورد جیابول
 و غارت عدس از مبلغ قرار گرفته اند در سال ۱۳۳۱ تقویم و مجروح زین
 شده اند لذا با توجه به موارد مشروحه فوق از یک نیکوکار اعلام می‌کنند که این زمین
 داشته و دارند محکماتاً بر ما تأیید تا عده ای شود جو خود سران و بیرون
 استعلام علی حراگاه دامادان این دو طایفه مورد دست خویش خود قرار ندهند
 و اولاد ایشان را
 رایت و نیکوکاران و در این امضا و کشته می‌کنند
 ۱- حاج محمد علی
 ۲- حاج محمد علی
 ۳- حاج محمد علی
 ۴- حاج محمد علی
 ۵- حاج محمد علی
 ۶- حاج محمد علی
 ۷- حاج محمد علی
 ۸- حاج محمد علی
 ۹- حاج محمد علی
 ۱۰- حاج محمد علی
 ۱۱- حاج محمد علی
 ۱۲- حاج محمد علی
 ۱۳- حاج محمد علی
 ۱۴- حاج محمد علی

۳ خرداد ۱۳۸۶

دامداران فقط دو طایفه سُرخ (دهدار و ناصر)، همان «عده انگشت‌شمار»، در اینجا اعلام می‌کنند که «۸۰۰ خانوار» هستیم و از ریش سفیدان منطقه استعلام می‌کنند که آیا ما «چندین قرن» در این مراتع بوده‌ایم یا خیر؟ اشاره می‌کنند که در ۱۸ شهریور ۱۳۳۱ در همین مراتع مورد حمله عوامل خسرو خان قشقایی قرار گرفتند و بیست نفر کشته و مجروح دادند.



هفت شورای اسلامی صحت ادعای دامداران کوهپایه دلو را تأیید می‌کنند.
 مهر این شوراها مورد قبول فرماندار و بخشدار مرکزی نیست چون «فلسطینی» هستند.
 آن مهری مورد قبول است که به دلخواه فرماندار و بخشدار شیراز به کار گرفته شود.




دهدارها راست می گویند

این فهرست کشته شدگان طایفه دهدار سُرخی در فاجعه ۱۸ شهریور ۱۳۳۱ است و در صفحه بعد تلگراف

همدردی آیت الله کاشانی به پدرم دال بر همدردی با طایفه دهدار سُرخی

تصاویر جنازه های دهدارها را داشتم. خیلی تأثرانگیز بود.

در تابستان سال ۱۳۴۹، در بازرسی خانه ام، ساواک عکس ها و خیلی مدارک دیگر مرا برد.



وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

شماره کتاب ۹۳

چاپ باقرزاده - ن - ۳۶۵
گیرنده
سال ۱۳۳۳

تاریخ وصول روز ماه	توضیحات	تعداد کلمه		قبض در تلگراف	از به
		تاریخ اصل	مرد		
۱۳۳۱		۱۳	مرد		

آقایان، حسب سابق، خدا را حاجی می دانستند
 اهدای وسایط با ابراز نام از منظم وارد بنام سرپرست
 آنکس بطور استوار امضا و تقوید می نمودند تا رسیدن
 بکتاب نسبت و در هر صورت موقت مکتب آقایی
 آتش و خواران از ایالتی که در آن به ابراهیم می رانند

برای عظمت و سرافرازی ایران از اوراق قرضه ملی خریداری کنید
 ۳۰۰۰ و ۲۰۰ ل شهر یورد ۳۱ با سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی همکاری کنید

تلگراف آیت الله کاشانی به پدرم، ۱۳ مهر ۱۳۳۱، در همدردی با طایفه دهدار سُرخ